دانشنامه نگاری

معرف

نگارشِ گونه‌ای از کتابهای مرجع، حاوی اطلاعاتی کلی و همه‌جانبه از همه دانشها یا طیف معیّنی از علوم یا دانشی خاص، که در دوره جدید در قالب الفبایی تدوین می‌شود.

متن

نگارشِ گونه ای از کتابهای مرجع، حاوی اطلاعاتی کلی و همه جانبه از همه دانشها یا طیف معیّنی از علوم یا دانشی خاص، که در دوره جدید در قالب الفبایی تدوین می شود.این مقاله مشتمل بر بخشهای زیر است :۱) واژگان۲) زمینه ها۳) عصر شکوفایی الف) دانشنامه های تک دانشی ب) دانشنامه های چنددانشی۱. دانشنامه های فاقد طبقه بندی علوم۲. دانشنامه های ناظر به طبقه بندی علوم۳. دانشنامه های بینابین۴) عصر تکرار و تقلید الف) قلمرو صفویان ب) قلمرو عثمانیان ج) قلمرو هند اسلامی۵) دانشنامه نگاری در عصر جدید الف) زبان عربی ب) زبان ترکی ج) زبان فارسی

۱) واژگان. واژه دانشنامه معادل کلمهٔ فرانسوی encyclopedie(در انگلیسی: encyclopaedia /encyclopedia) است. این واژه و دیگر صورتهای آن در زبانهای اروپایی، از اصطلاح یونانی "enklōi paideia" مشتق شده است. این اصطلاح از سه جزء "en"به معنی «در» و "enklōi" به معنای «دایره ای» و بیشتر «عام و فراگیر» و "paideia" به معنای آموزش تشکیل شده است (← > دایرة المعارف علوم کتابداری و اطلاع رسانی< ، ذیل "Encyclopedias"). این مجموعه معنایی در وضع اصطلاح عربی «دایرة المعارف» کاملاً لحاظ شده است، همچنین در زبان عربی واژه های موسوعة و مَعْلَمة و در زبان فارسی واژه های فرهنگ و دانشنامه، معادل انسیکلوپدی فرنگی به کار می رود (← د. اسلام، چاپ دوم، ذیل "Mawsū`a.۱"؛ اسعدی، ص ۳۴).

۲) زمینه ها. آن دسته از تألیفات مسلمانان که امروزه تألیفات دانشنامه ای یا شبه دانشنامه ای محسوب می شود، در بستری از شرایط و مقتضیات ویژه و تحت‌تأثیر عواملی چند تکوین و تکامل یافته است. یکی از زمینه های توجه به دانشنامه نگاری اهتمام پیگیرانه برخی از دانشمندان بزرگ مسلمان به موضوع ادب بوده است. معنای ادب به ویژه پس از دورهٔ کسانی چون عبدالحمید کاتب* (متوفی ۱۳۲) و ابن مقفع* (متوفی ۱۴۲) گسترش یافت؛ و ادیب به کسی اطلاق شد که برخلاف عالِم که در یک رشته، خاصه علوم دینی، تبحر داشت، در چند دانش دستی داشت و برگزیده ترین بخشهای آن را برمی گرفت (برای تفصیل← دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل «ادب»؛ نیز ← ادب/ ادبیات*). به هررو، به سبب بازتاب یافتن شخصیت چنددانشی این ادیبان در تألیفات آنها، دست کم برخی از آثارشان از نوعی جامعیت محتوایی و تکثر موضوعی برخوردار شد.التزام به جامعیت محتوایی غایت کار دانشنامه نگاران مسلمان نبود. شمار قابل توجهی از آنان خاصه پس از فراگیر شدن نهضت ترجمه* و پدیدآمدن آثار متعدد و متنوع در علوم مختلف، به ضرورت طبقه بندی و ساماندهی رشته های مختلف علمی پی بردند. هرچند، بسیاری از کسانی که در عمل به طبقه بندی شاخه های علوم توجه نشان داده اند، طرح ساختاری خود را به صراحت عرضه نکرده اند، و برخی نیز باوجود پایبندی به نوعی طرح ساختی در تدوین و عرضه مطالب خویش چندان به نظام طبقه بندی علوم که الگوی غالب آن نظام ارسطویی بود و فیلسوفانی چون فارابی و ابن سینا آثار خود را کمابیش بر گرته آن سامان می دادند– وفادار نماندند.گسترش این قبیل آثار چنددانشی، به جنبهٔ کاربردی آنها نیز برمی گشت؛ بدین بیان که کاتبان و دبیران دیوانها که لازمهٔ موفقیت اداری آنها آشنایی با طیف گسترده ای از دانشهای نظری و عملی بود، به چنین آثاری نیاز داشتند. برخی از این گونه کتابها به علت توجه نویسندگان به جنبه های کاربردی آنها و لزوم مراجعه کاتبان بدانها، آسان فهم تر بوده و به صورت خودآموز نوشته شده است.توجه به فنون و علوم کاربردی و بسیاری از مسائل زبانی و لغوی و تاریخی در این کتابها و تأثیرگیری این آثار از فرهنگ بیگانه و به اصطلاح علوم اوایل، مایهٔ آن شد تا این آثار در سطحی فراتر از آثار مذهبی و دینی بنشینند و در آنها دانش نگاری فارغ از خاستگاه و جهت گیری آن ـ مدنظر قرار گیرد.

۳) عصر شکوفایی (سده های سوم تا دهم). با اندکی تسامح می توان گفت دانشنامه نگاری از میانه های سدهٔ سوم تا سدهٔ دهم (پایان عصر ممالیک) دوره ای شکوفا و پررونق را طی کرده، اما پس از آن مانند بسیاری دیگر از گونه ها و زمینه های نگارشی دستخوش تقلید و حتی انحطاط شده است. در این سده ها، برخلاف ادوار پس از آن، هرکدام از انواع دانشنامه ها را که درنظر آوریم، روی به شکوفایی و کمال داشته است. چندان که، معمولا متأخرترین هریک از انواع دانشنامه ها (← ادامهٔ مقاله) کامل ترین و جامع ترین آنها نیز بوده است.این آثار کلاسیک را می توان به اعتبار گسترهٔ موضوعی، شمول اطلاعات، رویکرد، سطح علمی، نظم و ترتیب و طرح ساختی، زبان، دوره بندیهای تاریخی، حوزه فرهنگی و جغرافیایی به انواعی تقسیم کرد. اما در این مقاله، نخست با ذکر نمونه های محدودی از دانشنامه های تک دانشی، قواعد کلی حاکم بر نگارش آنها محل توجه واقع می شود؛ و سپس نقش این دانشنامه ها در ورود نویسندگان مسلمان به مرحلهٔ دانشنامه نگاری چنددانشی بازنموده خواهد شد. آنگاه مسیر نگارش دانشنامه های چنددانشی در سه گروه دانشنامه های فاقد طبقه بندی علوم، دانشنامه های ناظر به طبقه بندی علوم و دانشنامه های بینابین بازگفته خواهد شد.

الف) دانشنامه های تک دانشی. این گونه از تألیفات با وجود اختصاص یافتن به حوزه ای معیّن، در عمل، خاصه در آغاز، چندان هم اختصاصی نماند و نویسندگانشان نخواستند یا نتوانستند از ورود به عرصهٔ رشته های دیگر بپرهیزند.یکی از نمونه های بسیار قدیم این دانشنامه ها کتاب الحیوانِ* جاحظ* (متوفی ۲۵۵)، خاصِ موضوع جانورشناسی، است. جاحظ در این کتاب با محور قرار دادن حکمت الهی در آفرینش مخلوقات، انبوهی از حیوانات کوچک و بزرگ را معرفی کرده است. وی با تقسیم کائنات به دو دستهٔ کلی «نامی» (= جاندار) و «غیرنامی» (= غیرجاندار) و سپس با تقسیم جانداران به گیاه و حیوان، گروه اخیر را به چهار دسته راه روندگان (از جمله انسانها)، پرندگان، آبزیان و خزندگان تقسیم کرده است (← ج ۱، ص ۲۶ـ۲۷). وی به اعتباری دیگر حیوانات را به «فصیح» (انسان) و «عُجْم» (جانوران) نیز تقسیم کرده است (← ج ۱، ص ۳۱ـ۳۳). در لابه لای مطالب مدخلهای الحیوان، که به آیات قرآن و احادیث و اشعار و امثال آراسته شده، انبوهی از عناوین و اطلاعات آمده است که به آسانی قابل دسته بندی نیست. مثلاً در فصل «کلب» شماری از واژه های معمول در عصر جاهلی، همراه با واژه های نوپدید اسلامی مانند مُخَضْرَم، منافق، مشرک و تیمم آمده است (← ج ۱، ص ۳۲۷ـ۳۳۴).توجه ویژه جاحظ به جانورشناسی با تأخیری زیاد و البته همراه با نوعی بهینه سازی در نظام پردازش و تنظیم، در دوره های بعد تداوم یافت. این تداوم را در فاصلهٔ قرون چهارم تا هفتم نه در تک نگاشته ها بلکه عمدتاً ضمن آثار چنددانشی مانند رسائل اخوان الصفاء* و شفاء* ابن سینا (متوفی ۴۲۷) می توان بازجست. یکی از این دست آثار متأخرتر عجائب المخلوقات* قزوینی (متوفی ۶۸۲) است که بخشی از آن (ص ۳۲۲ـ۴۱۵) به جانوران اختصاص یافته و نویسنده در ذیل هر رده، نظام الفبایی را کمابیش رعایت کرده است (← ص ۳۷۸ـ۴۰۵).اما هیچ کدام از این آثار در جامعیت و ساختار به حیاة الحیوان الکبری (تألیف ۷۷۳)، نوشتهٔ محمدبن موسی دَمیری (متوفی ۸۰۸) نمی رسد. کتاب دمیری ترتیبی الفبایی دارد، وی در ذیل هر مدخل ابتدا ضبط دقیق آن را درج کرده و پس از بحثی لغوی به نقل اخبار و روایات در باب طبایع هر حیوان، استشهاد از آیات قرآنی و احادیث نبوی و اشعار و امثال و حِکَم در باب فتوای فقیهان دربارهٔ حکم شرعی اکل گوشت آن حیوان، ذکر خواص طبی و فواید یا مضرات گوشت آنها و گاه دلالتهای آنها در تعبیر خواب پرداخته است (برای نمونه← دمیری، ج ۱، ص ۱۶۷ـ۱۶۸). روش دمیری در این کتاب شباهتهایی با روش دانشنامه های امروزین دارد. دمیری منابع گفته هایش را که بسیار هم متنوع است، حتی با نقل سلسله اسناد، ذکر می کند و معمولاً در مقام رد و نقد مطالب منقول برنمی آید؛ گو اینکه به پژوهشهای پیشین اعتماد می ورزد یا بدین شیوه منقولاتش را برعهدهٔ گوینده آن وامی نهد. همچنین وی هنگام نیاز مدخلی را به مدخلهای پیشین یا پسین ارجاع می دهد (مثلاً ← ج ۱، ص ۱۷۴، ج ۳، ص ۵۹۸).دمیری نیز مانند اسلاف خود چون جاحظ و قزوینی نتوانسته است از زیاده گویی و حاشیه روی بپرهیزد و گاه توالی مباحثش تحت الشعاع تمایل او به «از همه چیزنویسی» قرار گرفته است؛ چندان که ذکر اسم یا اصطلاح یا حکایتی، معانی تازه ای را برای او تداعی کرده و او را از چهارچوب مسائل مدخلهایش بیرون برده است. مثلاً ذیل مدخل «غُرنَیق» (← ج ۳، ص ۲۸۵ـ۲۹۳) وارد مباحث تفسیری دربارهٔ افسانهٔ غرانیق می شود یا ذیل مدخل «اِوَز» (نوعی مرغابی)، از مرغابیانی سخن می گوید که راه را هنگام خروج امام علی علیه السلام به سوی مسجد، در شبی که به دست ابن ملجم ضربت خورد، بر ایشان بسته بودند و به تعبیر امام بر سوگ او نوحه گری می کردند. دمیری پس از نقل این روایت به ذکر گزارشی از خلافت حضرت علی و سه خلیفهٔ نخست می پردازد و درپی آن، تاریخ دورهٔ طولانی خلفای اموی تا پایان خلافت عباسی در

بغداد و سپس خلافت فاطمیان از المستنصربالله (متوفی ۴۶۶) تا خلفای عباسی مصر را بازمی گوید، آنگاه اشاره ای به سلاطین مملوکی مصر می کند و سرانجام بار دیگر به مدخل اصلی (اِوَز) بازمی گردد (← ج ۱، ص ۱۷۵-۳۵۳).تبارشناسی دانشنامه های تک دانشی یا اختصاصی در شماری از موضوعات دیگر نیز تنها با بازگشت به قرن سوم، نقطهٔ عزیمت درست و مطمئنی خواهد یافت. سدهٔ سوم عصر طلایی تدوین حدیث به ویژه احادیث فقهی بوده است. کشف اعتبار احادیث و کسبِ اطمینان از صدور آنها که مستلزم بررسی سلسله راویان بود، مایهٔ پیدایی علم رجال و طبقات نگاری شد (← طبقات*). طبقات نگاری درعین حال یکی از رایج ترین شیوه های تاریخ نگاری نیز بود که از قدیم ترین و برجسته ترین نمونه های آن می توان به طبقات ابن سعد (متوفی ۲۳۰) اشاره کرد. چنین آثاری زمینهٔ مساعدی را برای پدیدآمدن گونه ای از آثار تاریخی فراهم کرد که می توان آنها را فرهنگ نامه های تاریخی یا فرهنگهای سرگذشتنامه ای نام نهاد (← قاضی ،ص ۲۸). در این فرهنگ نامه ها که ترتیب الفبایی دارد، اطلاعات تاریخی در ذیل نام افراد آمده است. از نمونه های بارز این آثار اینهاست: التاریخ الکبیر بخاری (متوفی ۲۵۶)، تاریخ بغدادِ* خطیب بغدادی (متوفی ۴۶۳)، اُسْدالغابة فی معرفة الصحابه* ابن اثیر (متوفی ۶۲۸)، معجم الادباء یاقوت حموی (متوفی ۶۲۶)، وفیات الاعیان ابن خلّکان (متوفی ۶۸۱) و تکمله سی جلدیِ آن: الوافی بالوفیاتِ صَفَدی (متوفی ۷۶۴)، و تکمله الوافی به نام الْمَنْهل الصافی و المستوفی بعدالوافی از ابن تَغْری بِردی (متوفی ۸۷۴)، و سِیَر اعلامِالنُبلاء* شمس الدین ذهبی (متوفی ۷۴۸).افزون براین، سرگذشتنامه ها و فرهنگها و دانشنامه های تاریخی در سدهٔ سوم و پس از آن، در هیئتی دیگر نیز مجال جلوه یافتند. در این قرن، مورخان مسلمان با تکیه بر انبوه روایات تاریخی در حوزهٔ مناسبات فرهنگی، سیاسی، دیوانی، نسب شناسی و مباحث ادبی و لغوی، در روش تاریخ نگاری ــ که پیشتر به شیوهٔ خبر بودــ تحولی ایجاد کردند و به جای تک نگاشته های متعدد جزئی نگر، تواریخ عمومی یکپارچه ای عمدتاً به شیوهٔ وقایع نگاری تدوین نمودند (← تاریخ/ تاریخ نگاری*). در اواخر این قرن، ابوحنیفه دینوری (متوفی ۲۸۳)، دانشنامهٔ تاریخی خود، الاخبار الطِّوال، را پدید آورد که در آن از آدم و فرزندانش و انبیای بنی اسرائیل ــ به جز موسی و هارون ــ و عیسی و زردشت، سرگذشت پادشاهان سلسله های افسانه ای ایران تا انقراض ساسانیان و ملوک روم و یمن و تاریخ اسلام از نبردهای مسلمانان با ایرانیان در دورهٔ خلافت عمر (متوفی ۲۳) تا تاریخ خلافت عباسیان در عصر معتصم (متوفی ۲۲۷) سخن گفته است (← دینوری، ص ۴۱۰-۴۱۳).اهمیت این اثر به ویژه به سبب توفیق نویسنده آن در توجه جدّی به سرزمینهای غیراسلامی است. فقدان دوره ۲۳ ساله بعثت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و خلافت ابوبکر در این اثر، در دیگر دانشنامه تاریخی معاصر او، تاریخ یعقوبی، به نحو شایسته ای جبران شد، چنان که تقریباً نیمی از حجم این کتاب به تاریخ اسلام و بخش درخور توجه آن به تاریخ پیامبر اختصاص یافت و به گونه ای توازنی میان تاریخ اسلامی و غیراسلامی برقرار شد (← یعقوبی، ج ۱، ص ۲۷۳-۲۷۵، ج ۲، ص ۵۱۳- ۵۱۶). مسعودی (متوفی ۳۴۶) نیز در مُروج الذهَب، از شیوه یعقوبی (متوفی ۲۸۴) در نگارش تاریخ ایران قبل از اسلام پیروی کرد (← تاریخ یعقوبی*).اما سرآمد دانشنامه های تاریخی به لحاظ جامعیت و اِسناد و اعتدال و شیوهٔ وقایع نگاری تاریخ طبری است که در دو بخش تاریخ جهان (با ترتیبی موضوعی) و تاریخ اسلام (با ترتیبی سال شمار و به شیوهٔ روایی) نگاشته شده است. این کتاب تا سدهٔ هفتم که ابن اثیر (متوفی ۶۳۰) الکامل خود را تا حوادث ۳۰۲ براساس آن نوشت، بر تاریخ نگاری مسلمانان تأثیر مستقیم داشت (← تاریخ طبری*).دانشنامه های تاریخی ابن قتیبه دینوری (متوفی ۲۷۶)، به ویژه در دورهٔ اسلامی، برخلاف آثاری چون تاریخ یعقوبی و تاریخ طبری، نه صورتی سال شمار که ترتیبی کمابیش موضوعی دارد. این ترتیب زمینه ساز تنوع موضوعی و ایجاد آثار چنددانشی شد. افزون براین، مطالب کتابهای ابن قتیبه که در دسته کتابهای ادبی قرار داده شده، برخلاف آثار مشابهِ یادشده، صرفاً به گزارشهای تاریخ سیاسی و نظامی اختصاص نیافته است. دربارهٔ این می توان به المعارف اشاره کرد که به گفتهٔ خود ابن قتیبه (ص ۲) مجموعه معارفی است که اهل فرهنگ از دانستن آنها گزیری ندارند. موضوعات اصلی المعارف به ترتیب زیر است: آغاز آفرینش و قصص انبیا، انساب و قبایل عرب، رسول خدا و خویشان و اصحاب او، تاریخ خلفا از معاویة بن ابوسفیان تا معتمِد، برخی از محدّثان و صاحبان فرق و نسّابان و راویان شعر و شماری از «اولین»ها؛ مساجد مشهور، فتوح؛ مشاغل بزرگان و اشراف در جاهلیت؛ مبتلایان به امراض گوناگون؛ بلندقامتان و کوته قامتان؛ دیرزادگان و زودزادگان؛ نامداران به کنیه ها؛ طاعونها و طاعون زدگان؛ مَثَلهایی که به نام اقوام و قبیله ها شهرت یافته است؛ ملوک حیره، حبشه، یمن، فارس و شام و جز آنها (← ص ۳-۶۷).این فهرست نسبتاً طولانی نشان می دهد که ابن قتیبه با تنوع موضوعی و جامعیتی که به این اثر تاریخی خود داد، گام بلندی به سوی تدوین

آثار چنددانشی برداشت. چنین رویکردی در اثر دیگر ابن قتیبه، عیون الاخبار، ملموس تر است. عیون الاخبار ــ که نامش از صبغهٔ غالب تاریخی آن حکایت می کندــ هم نظم و دسته بندی موضوعی بهتری دارد و هم هر باب آن نامی مستقل دارد و درواقع هر باب در حکم اثری مستقل است، همچون کتاب السلطان دربارهٔ آداب حکمرانی و مناصب دولتی؛ کتاب جنگ و جنگاوری؛ کتاب عِلْم، شامل زندگینامه برخی از علما و مباحثی در علم بیان، بلاغت و خطابت؛ و کتاب طعام (← ج ۱، جزء۱، ص ۴۹ـ۵۲).

ب) دانشنامه های چنددانشی

۱. دانشنامه های فاقد طبقه بندی علوم. کار ابن قتیبه را جانشین شایسته اش ابن عبدربّه اندلسی (متوفی ۳۲۸) دنبال کرد. ابن عبدربّه، العِقدالفرید را با سرمشق گیری از عیون الاخبار در ۲۵ باب نگاشت (← ورک مایستر ، ص ۶۲ـ۷۵). درواقع کار او، ضمن بسط بابهای عیون الاخبار، نوآوریهایی هم دارد، مثلاً اختصاص بابی به موسیقی و نیز تعازی و مراثی.ابن عبدربّه در مقدمهٔ دانشنامه اش (ج ۱، ص ۴ـ۵) تصریح کرده که کتابش، درواقع، گلچینی است از گزیده ترین بخشهای کتابهای دیگران و از همین رو، کار خود را که اختصار و انتخاب نام داده، از تألیف بسی سخت تر شمرده است. بااین همه، کتاب یکسره گزیده نیست، و نویسنده اش شعرهای زیادی از خود در جای جای کتاب درج کرده است (مثلاً ← ج ۱، ص ۳۸، ۷۱، ۸۸ ، ۱۵۶ـ۱۵۷). وی (ج ۱، ص ۶) تصریح کرده که این کار را بدان رو کردم تا خوانندگان بدانند که «مغرب ما» را نیز از نظم و نثر بهره ای است. توالی «کتاب»ها/ فصلهای بیست و پنج گانهٔ العقد، جز به ندرت، تابع منطقی مشخص نیست، چنان که بسیاری از فصلهای مرتبط از هم دور افتاده است و فصلهای کتاب چندان جامع و مانع نیست.در قرن ششم در دمشق اثری دانشنامه گون به نام بحرالفوائد به زبان فارسی در ۳۶ «کتاب»/ باب مشتمل بر بیش از سیصد بخش تألیف شد. با اینکه نویسندهٔ ناشناختهٔ این کتاب در مقدمهٔ اثرش (ص ۳ـ۴) ادعا کرده که از انواع علوم سخن گفته است، صرف نظر از مباحثی چون جواهرات و عجایب، اغلب مباحث آن دربارهٔ اخلاق، فقه (براساس فتوای شافعی و ابوحنیفه)، تصوف، کلام (مطابق با آموزه های اشعری و به ویژه در تقابل با شیعیان اسماعیلی) و ادعیه است و در همهٔ آنها جنبه های روایی غلبه دارد. نه تنها تقدم و تأخر ابواب کتاب و شاخه های هر باب از روش و منطق مشخصی پیروی نمی کند، بلکه تکرار مباحث و عناوین در جای جای کتاب نیز سودمندی عنوان بندی موضوعات کتاب را تحت‌تأثیر قرار داده است. اولین باب کتاب، جهاد (جهاد اکبر و جهاد اصغر) است که احتمالاً تحت تأثیر جنگهای صلیبی در مرزهای غربی شام، بر صدر سایر بابها نشسته است.پیگیری جدّی شیوهٔ ابن عبدربّه در تدوین آثار دانشنامه ای ــ صرف نظر از پاره ای فعالیتهای پراکنده ــ تا عصر ممالیک، در قرن نهم به تعویق افتاد. در این قرن اَبشیهی* (متوفی ۸۵۰)، که در یکی دیگر از مناطق سرزمینهای غربی اسلامی (مصر) می زیست، شیوهٔ وی را ادامه داد. ابشیهی در مقدمهٔ اثر خود، المستطرف فی کلّ فنٍّ مستظرف (ص ۵)، تصریح کرده است که در روزگار او کتابهای مفصّل بسیار در موضوعات گوناگون نوشته شده است که مفترقات و اختصاصات قابل توجهی دارد. با نظر به چنین زمینه ای بود که ابشیهی کوشید تا کتابی مشتمل بر همهٔ فنون و درواقع گزیده ای از همهٔ مطالب مهم در موضوعات گوناگون تألیف کند.کتاب ابشیهی، با کتابهای دانشنامه نویسان مشهور عصر او، به ویژه به لحاظ فصل بندی شباهت چندانی ندارد (← ادامهٔ مقاله) و بیشتر دنباله رو و مشابه آثاری چون العقدالفرید است. بااین حال، المستطرف به لحاظ گستردگی موضوعی بر العقدالفرید برتری دارد، چنان که بابهای آن از ۲۵ باب العقد به ۸۴ باب افزایش یافته است. باب نخست المستطرف دربارهٔ مبانی دین اسلام (توحید و فروع) و باب پایانی آن دربارهٔ فضیلت صلوات بر پیامبر است که ظاهراً باب اول با نظر به فضیلت موضوع و باب آخر به جهت حسن ختام رتبه بندی شده است.قرارگرفتن موضوعات عقل، قرآن، علم و ادب در بابهای دوم تا چهارم نیز با منطق فضیلت موضوعی قابل درک است. بابهای بعدی به موضوعاتی چون جملات حکمت آمیز و امثال سایر و بلاغت و فصاحت، حاضرجوابی، و خطبه ها و خطیبان و شاعران، توکل و رضا و نکوهش آزمندی، مشورت، سکوت و مذمت غیبت اختصاص یافته است. در چند باب بعدی از موضوعات سلطان و وزرا و دیوان قضا، قُصّاص و متصوفه و نیز محاسن و مَساوی اخلاقی سخن رفته است. بابهای دیگر به زندگی روزانه چون پوشاک و خوراک و آرایش و جوانی و بیماری و تندرستی و به کارگیری القاب، مسافرت، هدیه، کار و پیشه، صبر، بردگان و کنیزان، کهانت و قیافت و تفأل، و تعبیر خواب، حیوانات، جن، عجایب زمین، شهرها و رودها، معادن و سنگهای قیمتی، موسیقی و مزاح و جز آنها اختصاص یافته است.این تنوع موضوعی نشان می

دهد که ابشیهی به ذات دانشنامگی کتاب خود وقوف کامل داشته و از آن رو هرکدام از ابواب کتابش را بابی مستقل دانسته است. این بابها صرفاً در کتابی دایرة المعارفی یکجا در کنار هم قرار می گیرند. در مرور کلی ترتیب ابواب این کتاب، باوجود بی نظمیهای آشکار، نوعی منطق تقسیم بندی دریافت می شود؛ حتی مطالب برخی از بابها مثل باب ششم (در امثال سایر) و باب ۶۲ (دربارة حیوانات) به ترتیب الفبایی تنظیم شده است.

۲. دانشنامه های ناظر به طبقه بندی علوم. جامعیت، مشخصة مشترک همة نمونه هایی است که تاکنون در این مقاله معرفی و بررسی شده است، که فقط نیمی از هویت دانشنامه ها را فرا می نماید. ویژگی دیگر و شاید مهم تر دانشنامه ها طرح ساختی و نظام تألیف و ترتیب آنهاست. این ویژگی عمدتاً از سدة چهارم بدین سو، در نوشتن فهرست کتابها و دانشها و فرهنگ مصطلحات و لغت نامه ها با جامعیت همراه شده و مجال بروز یافته است. شیوة تنظیم و تألیف این کتابها گوناگون است: برخی از آنها ترتیب قاموسی و به اصطلاح الفبایی دارد، مانند کشف الظنون*، کشاف اصطلاحات الفنون و تقریباً تمام لغت نامه ها؛ پاره ای دیگر ترتیب طبقه ای دارد و مؤلف با تقسیم بندی علوم و معارف، مطالب مرتبط را طبق نظام طبقه بندی خود آورده است، مانند احصاءالعلوم*، الفهرست* و مفتاح السعاده*.این گونة اخیر از دیدگاه طبقه بندی علوم بسیار اهمیت دارد؛ چرا که از خلال آنها مانند بعضی از کتب فلسفی ــ می توان مکتبها و گرایشهای مختلف علمای مسلمان را در طبقه بندی علوم و معارف شناسایی و بررسی کرد (طاهری عراقی، ۱۳۷۶ش، ص ده ـ یازده؛ برای نگارش کتابهای فهرست و لغت نامه ها ← فهرست نویسی*؛ فرهنگ نویسی*؛ برای بررسی روشهای مسلمانان در طبقه بندی علوم ← علم*).در هر کدام از این گونه آثار، پراکندگی و حجم مطالب ذیل هریک از علوم و نیز مدخلها، رویکرد ویژة مؤلف و صبغة علمی غالب آن اثر را بازمی نماید. چنان که از این حیث آثاری چون احصاءالعلوم و نزهت نامه را باوجود جامعیتی که دارد، می توان به ترتیب در شمار دانشنامه های فلسفی و علوم طبیعی آورد (← اداة مقاله). درعین حال، آثار معدودِ دیگری هم هست که نوعی توازن گرایی در توجه به علوم مختلف در آنها نمایان است، مانند کتاب ستّینی*، و نفائس الفنون*.ظاهراً فارابی (متوفی ۳۳۹) نخستین کسی بود که فلسفة یونانی را در کتاب خود، احصاءالعلوم (به عربی)، با درآمیختن با علوم اسلامی صورتی دانشنامه گونه داد. ترتیب فصول احصاءالعلوم چنین است: ۱) زبان شناسی عربی، ۲) منطق (شامل هشت بخش)، ۳) ریاضی یا «علوم تعلیمی» (شامل حساب، هندسه، علم مناظر، نجوم، موسیقی، اثقال، علم حیل/ مکانیک)، ۴) طبیعیات و الهیات، که طبیعیات شامل هشت بخش است از جمله معادن، عناصر اجسام مرکّب، کون و فساد و گیاهان و جانوران، ۵) علوم اخلاقی و مدنی و فقه و کلام اسلامی (← فارابی، ص ۲). چهار رشتة فلسفه نظری (منطق، ریاضی، طبیعی و الهی) و دو رشته از سه رشتة فلسفه عملی(اخلاق و سیاست) نشان دهندة برتری علوم یونانی/ فلسفی در این کتاب است. بنابراین احصاءالعلوم را می توان نخستین دانشنامة فلسفی به شمار آورد.به نظر می رسد ترتیب ساختی دانشنامه های بعدی در تقسیم بندی علوم به دانشهای یونانی و اسلامی ــ با هر تعبیری چون: علوم حکمی و غیرحکمی، علوم حِکْمی فلسفی و علوم نقلی وصفی، علوم حقیقیه و غیرحقیقیه، علوم عرب و علوم عجم، علوم شرعیه و علوم دخیله، علوم شرعی و علوم غیرشرعی و علوم اواخر و علوم اوایل ــ کاملاً از نظام تقسیم بندی احصاءالعلوم متأثر بوده است. طبقه بندی فارابی را با تغییری جزئی ابن سینا (متوفی ۴۲۸) و غزالی (متوفی ۵۰۵) و ابن رشد (متوفی ۵۹۵) پذیرفته اند (طاهری عراقی، ۱۳۷۶ش، ص دوازده؛ نصر ، ص۶۰). بااین همه، شیوة فارابی را در نشاندن فقه و کلام به عنوان اجزای علوم شریعت ذیل علوم مدنی که خود از زیرشاخه های فلسفه عملی ارسطویی است ــ در هیچ یک از آثار مشابه بعدی دنبال نکرده اند.چهار رشتة فلسفة نظری در رسائل اخوان الصفاء (قرن چهارم) نیز به چشم می خورد. رسائل اخوان الصفاء را می توان بدین قرار فصل بندی کرد: ریاضیات و منطق (چهارده رساله)، طبیعیات (هفده رساله)، الهیات (ده رساله)، علوم شرعی و دیانات و مذاهب (یازده رساله؛ ← اخوان الصفا، ج ۱، ص ۲۱ـ۴۲).اخوان الصفا که کوشیدند خوانندگان را با گزیدة همة بخشهای علوم نظری و عملی دوران خود آشنا کنند، هدفشان را راهنمایی گمراهان و سرگشتگان و بیدار کردن غافلان ذکر کرده اند (ج ۴، ص ۲۴۲؛ نیز ← اِس ، ص۱۰). این گفته درعین حال جهت گیری ایدئولوژیک این اثر را نشان می دهد. رسائل اخوان الصفاء محصول کار گروهی از نویسندگان و یادآور یکی از عمده ترین ویژگیهای کار نگارش دانشنامه ها در دورة جدید یعنی تشریک مساعی جمعی در امر دانشنامه نگاری است (اس، ص ۹).با وجود تلاشهای ذکرشده، تثبیت ساختار دانشنامه های فلسفی در جهان اسلام تا ظهور ابن سینا به تعویق افتاد. اثر اصلی او در فلسفه، الشفاء (تألیف ۴۲۱ـ۴۲۳) و کتاب دیگرش، النجاة برپایة تقسیم بندی چهارگانة رشته های نظری ارسطویی پرداخته شد: ۱. منطق، ۲. طبیعی، ۳. ریاضی، ۴.

الهی. دیگر اثر ابن سینا، دانشنامهٔ علائی که نخستین دانشنامهٔ علوم فلسفی به فارسی است، به تصریح نویسنده اش مشتمل است بر علوم پنج گانهٔ حکمت. درواقع این علوم پنج گانه همان چهار رشتهٔ فلسفهٔ نظری است با این تفاوت که ریاضیات در دو رشتهٔ مجزا، یعنی هیئت و موسیقی، تنظیم شده است. تقسیم بندی ابن سینا از علوم تأثیر ژرف و دیرپایی بر دانشنامه نگاری پس از او برجای نهاده است (وسل ، ص ۱۳؛ نیز ← دانشنامهٔ علائی*).قطب الدین شیرازی (متوفی ۷۱۰) نیز در درة التاج (تألیف ۶۹۳ـ۷۰۵) کمابیش از تقسیم بندی ابن سینا پیروی کرده است. کتاب او به دلیل احتوا بر همه اقسام حکمت نظری و عملی به اُنْموذَج العلوم، یعنی نمونه دانشها، شهرت داشته است (← حاجی خلیفه، ج ۱، ستون ۷۳۸). تفاوت نظام طبقه بندی علوم در درة التاج با دانشنامهٔ علائی در این است که فلسفهٔ اوُلی جزو بخش الهیات نیامده و فصلی مستقل به آن اختصاص یافته است. ارزش کتاب درة التاج درعین حال به واسطهٔ اقتباسات، تلخیصها و ترجمه های قطب الدین شیرازی از کتابهای پیشینیان مانند ابن سینا، غزالی و فخررازی (متوفی ۶۰۶) و نیز در دقت در بیان فارسی مضامین فلسفی است (← وسل، ص ۱۴؛ نیز ← درة التاج*).در سدهٔ چهارم و چند دهه پس از تألیف دانشنامهٔ فلسفی احصاءالعلوم، اثر دیگری، کمابیش به اقتفای آن اما با گنجانیدن موضوعاتی افزون تر، به نام مفاتیح العلوم به قلم محمدبن احمدبن یوسف خوارزمی (متوفی ۳۸۷) تألیف شد. خوارزمی اثر خویش را ذیل دو «مقاله» کلی: «علوم شریعت» و «علوم عجم» یعنی علوم اوایل سامان داد. مقالهٔ اول خود در شش باب تنظیم شده است: اصول فقه و فقه، کلام، علم نحو، کتابت و انشا، شعر و عروض، و اخبار/ تاریخ. باب کتابت دربارهٔ اصطلاحات معمول در دیوانهای مختلف است که به کار دبیران و کارکنان دیوانها می آمده است. «مقاله» دوم، علوم عجم، حاوی مقدمه ای است دربارهٔ تقسیمات فلسفه. در ادامه، برخلاف معمول، الهیات پیش از منطق و سپس رشته های ریاضی و طبیعی آمده است. در پایان نیز یکی از شاخه های ریاضیات یعنی علم الحیل بررسی شده است. طرفه آنکه طب و کیمیا که به تصریح خوارزمی (ص ۱۲۷ـ۱۲۸) از شاخه های طبیعیات است در پی هم قرار نگرفته و شاخه های علم ریاضی میان این دو فاصله افکنده است.اشتمال کتاب خوارزمی بر اصطلاحات دیوانی ذیل باب کتابت که اولین بار به چنین دانشنامه هایی راه یافته است، موجب شد تا وسل (ص ۲۱) مفاتیح العلوم را دانشنامه ای دیوانی بنامد. اما به نظر می رسد چنین اطلاقی حاصل درنظر نگرفتن کلیات این کتاب است (نیز ← مفاتیح العلوم*). اما کتاب نویسندهٔ هم روزگار او ابن فریغون*، با نام جوامع العلوم، را با اطمینان بیشتری می توان در گروه دانشنامه های دیوانی قرار داد.ابن فریغون گویا از شاگردان ابوزید بلخی (متوفی ۳۲۲) بوده و در تألیف خود احتمالاً از اقسام العلوم استادش بهره برده است (ابن فریغون، مقدمهٔ جنابی، ص ۴؛ وسل، ص ۲۲). بخش اول جوامع العلوم شامل مطالبی دربارهٔ علم نحو و صرف، کتابت و آداب نامه نگاری با درنظر گرفتن محتوا و مخاطب و انواع نامه های سلطانی و دیوانی و دانستنیهای مقدماتی در باب حساب و هندسه است، که برای تنظیم گزارشهای مالی و غیره ضروری بوده است. در ادامه، نویسنده دربارهٔ پاره ای از موضوعات مذهبی چون دین، شریعت، جهاد، رذایل و فضائل اخلاقی و اعمال و رفتار نیکو سخن گفته و سرانجام با بیان بیماریهای قوه تفکر به «مقاله» اول پایان داده است.در «مقاله» دوم که با تسامح می توان آن را مختص فلسفهٔ عملی، علوم دینی و فلسفهٔ نظری دانست، نویسنده ابتدا به حکومت و لوازم آن و شروط صاحب منصبان بلندپایه چون وزیر و محتسب و حاجب پرداخته و سپس از سیاست مالی و امنیتی و جنگی سخن رانده است. مباحث بعدی آشفته است و نظمی ندارد، مثل اعمال طبیعی، ارادی، ملزومات زندگی اجتماعی و خصوصی، تغذیه، لذات جسمانی و ریاضتهای جسمانی و نفسانی، علم الفاظ، علم معانی، تفسیر، طبقات علمای دین، جدل، اعجاز پیامبر و چند مبحث کلامی، فلسفه و کیمیا و منطق و نجوم و علم فراست یا قیافه شناسی (پی بردن به اخلاق و روحیات آدمی از طریق مشاهده ظواهر جسمانی) و عیافت (فالگیری از رفتار، آواز یا نام پرندگان، پیشگویی) و تطیر (← تفأل و تطّیر*) و زجر (فال گرفتن رفتار یا آواز مرغان و وحوش) و کهانت* و سحر* و طلسم/ طلسمات* (← ابن فریغون، همان مقدمه، ص ۸ ـ ۱۰).آوردن مطالبی دربارهٔ منشی گری و کتابت و مقدمات آنها که بخش قابل توجهی از مقاله اول کتاب را به خود اختصاص داده و عدم رعایت تقسیمات سنّتی علوم، نشان می دهد که اساساً تقسیمات علوم از دغدغه های ابن فریغون نبوده است.چنان که در دانشنامه های فلسفی و دیوانی نیز دیده شد، علوم دینی پای ثابت انواع دانشنامه ها بوده است. این علوم خود نیز موجد نوعی از دانشنامه ها شد که می توان بدانها نام دانشنامه های دینی داد. احیاء علوم الدین* غزالی از این دست آثار است که اگرچه از حیث محتوا و نیز هدفِ نویسنده اش به سختی می توان نام دانشنامه را بر آن اطلاق کرد، دست کم به سبب تأثیرش بر دانشنامه های دینی و روش متفاوتش در تقسیم بندی علوم، درخور توجه است. وی در یک طرح کلی،مطالب کتابش را به چهار رُبع تقسیم کرده

است: عبادات (در رابطهٔ میان بنده و خدا)، عادات (روابط آدمیان با یکدیگر)، مهلکات و منجیات (در رابطه آدمی با خویشتن). آغازگر ربع عبادات، کتاب العلم است که تقسیم بندی ویژه غزالی از علوم در آن توضیح داده شده است. وی پس از تقسیم علوم به واجب عینی و کفایی، واجب کفایی را به شرعی و غیرشرعی و سپس علوم غیرشرعی را به محمود و مذموم و مباح تقسیم کرده است (← ج ۱، ص ۸ ـ۴۱).صرف نظر از احیاءالعلوم غزالی، نخستین دانشنامه های دینی را ظاهراً باید در آثار فارسی زبان پی گرفت. قدیم ترین این نوع از آثار یواقیت العلوم و دَراری النجوم، اثر نویسنده ای ناشناخته است، مشتمل بر سی فن و هر فن حاوی دوازده پرسش و پاسخ. با اینکه نویسنده (ص ۵) تصریح کرده است که می خواهد هر علم و فنی را که در میان مردم ظاهر است، معرفی کند، از بسیاری از رشته های علوم دخیل یا علوم فلسفی در اثر او چندان خبری نیست.در میان نویسندگان انواع دانشنامه ها، مؤلفان دانشنامه های علوم طبیعی، بیش از همه بر موضوع اصلی کتاب خود پایبند مانده و مباحث نامرتبط را کمتر در کتاب خود گنجانده اند. یکی از قدیم ترین این دانشنامه ها، نزهت نامه علائی تألیف شهمردان رازی (تألیف ۵۰۶ـ۵۱۳) است. قسمت اول کتاب به خواص و طبایع انسان، حیوان، نبات و جمادات، از جمله کانی شناسی، اختصاص یافته است. قسمت دوم با بحثی در باب آفرینش آسمان و زمین و عناصر چهارگانه شروع می شود و پس از گفتاری در ریاضیات و نجوم، رشته های منبعث از طبیعیات، یعنی فراست، هواشناسی و تعبیر خواب، قرار گرفته است؛ و در ادامه نوبت به طبقات اجتماعی و هنرها و صنایع مختلف می رسد. در فصل آخر کتاب به کیمیا، برخی از صنعتها، طلسم، بازیها و داروهای گیاهی پرداخته می شود. در این دانشنامه از میان چهار رشتهٔ فلسفهٔ نظری الهیات حذف شده است و مباحث ریاضیات و منطق هم در قیاس با علوم طبیعی چندان به چشم نمی آید (شهمردان بن ابی الخیر، ص ۵ـ ۱۶؛ نیز ← نزهت نامه علائی*).نزهت نامه الگوی دانشنامهٔ دیگری شد به نام فرّخ نامه (تألیف ۵۸۰)، نوشتهٔ ابوبکر مطهر جمالی یزدی به زبان فارسی که با حجم و ترتیبی کمابیش متفاوت، بسیاری از فصلهای کتاب نزهت نامه در آن آمده است؛ مثلاً مباحث مربوط به گیاهان در فرخ نامه مفصّل تر است یا فصول «علفها» و «صمغها» در نزهت نامه نیست (← جمالی یزدی، ص ۵، ۹؛ نیز ← فرخ نامه*). در یک مقایسهٔ اجمالی می توان گفت جنبه های علمی نزهت نامه بر فرخ نامه رجحان دارد. در مقابل، جمالی یزدی آموزه های خرافی بسیاری را در اثر خود بازتاب داده است. گویا وی خود را موظف می دید از هر چه یاد می کند، از خواص دارویی و روانی آن نیز یاد کند، چنان که از این حیث می توان کتابش را دایرة المعارف خرافات و طبّ عامیانه نیز نام نهاد.نزهت نامهٔ علایی همچنین از منابع شمس الدین دُنَیسری در تألیف نوادرالتبادر لتحفة البهادر بوده است. در این کتاب که در قلمرو سلاجقه روم و به زبان فارسی تألیف شده، در دوازده فن از فلسفهٔ نظری، ریاضیات، نجوم، هندسه و علوم طبیعی و نیز علم فراست و اختلاج و خواص جانداران و کشاورزی و نیز عجایب و کرامات و جز اینها سخن گفته شده است (← دنیسری، ص ۳ـ۸). طرح نوادر که دست کم از لحاظ تعداد فصلها (دوازده فن) یادآور نزهت نامه شهمردان است، کامل تر از طرح نزهت نامه به نظر می رسد، چه وی برخلاف شهمردان به همهٔ رشته های فلسفه نظری ــ ولو بدون ملاحظه توازن ــ پرداخته‌است (وسل، ص ۳۲ـ۳۳؛ نیز ← نوادرالتبادر لتحفة البهادر*).در میان دانشنامه های تألیف شده از سدهٔ چهارم بدین سو، به ویژه دانشنامه های سدهٔ ششم، که جامعیت و طرح ساختی در آنها هویداست، کتاب جامع العلوم یا کتاب ستّینیِ فخررازی که به زبان فارسی نوشته شده، جایگاهی ویژه دارد. قصد نویسنده از تألیف این کتاب که آن را به علاءالدین تکش خوارزمشاه تقدیم کرد، آن بوده است که این اثر به کار درباریان و جمیع طالبان علم در سطوح گوناگون بیاید و از همین رو در بسیاری از بابهای کتاب، ابتدا مسائل آشکار آن علم، سپس مسائل دشوار و آنگاه مباحث متوسط را با نام «امتحانات» در قالب پرسش و پاسخ عرضه کرده است. تقریباً جمیع معارف دورهٔ مورد نظر گرد آمده است. فخررازی در این کتاب، شصت علم را مورد توجه قرار داده و به همین سبب، این کتاب به نام ستیّنی نیز مشهور شده است (← فخررازی، ص ۶۹ـ۷۳).قسمت اول کتاب شامل علوم دینی، چون کلام و فقه و تفسیر، تاریخ، علوم ادبی و زبان شناسی است. قسمت دوم علوم فلسفی، به مراتب گسترده تر و پرعنوان تر از قسمت نخست است و مشتمل بر منطق، طبیعیات نظری، ریاضیات و الهیات است.فخررازی در پی باب ۵۳ :«علم الهیات»، باب «مقالات» را دربارهٔ مذاهب و فرقه ها آورده و در بابهای بعد به فلسفهٔ عملی شامل اخلاق و علم سیاست و تدبیر منزل توجه نشان داده است. در بابهای ۵۸ تا ۶۰، علم آخرت، علم «دَعَوات» (= دعاها) و علم آداب ملوک گنجانیده شده است. در پی بابهای شصت گانه کتاب، بخش کوتاهی نیز به «علم شطرنج و انواع بازی» اختصاص یافته است (← ص ۴۹۲ـ۴۹۹).جامع العلوم قدیم ترین متن فارسی است که می توان آن را دایرة المعارف به معنای دقیق کلمه نامید (وسل، ص ۳۵؛ نیز ← کتاب

ستّینی*).شایسته تر از کتاب ستّینی فخررازی، کتاب نفائس الفنون شمس الدین آملی (قرن هشتم) است که به جای شصت رشته، ۱۶۰ رشته از علوم عقلی و نقلی را در دو گروه، علوم اواخر (اسلامی) و علوم اوایل (فلسفی)، آورده است (← آملی، ج ۱، ص ۶، ۱۶، ۱۹).ترتیب قسم اول نفائس الفنون با ترتیب جامع العلوم فخررازی متفاوت است. آملی برخلاف فخررازی قسمت اول دانشنامهٔ خود را با موضوع ادبیات و زبان شناسی شروع کرده و در این قسمت علاوه بر هشت شاخهٔ مذکور در جامع العلوم، از رشته هایی چون علم خط، علم دواوین، انشا و استیفا نیز نام برده است (← ج ۱، ص ۱۶). مقالهٔ دوم علوم اواخر شامل علوم دینی (کلام، تفسیر، حدیث و فقه و اصول) و مقالهٔ سوم آن تصوف (با پنج فن) است (← ج ۱، ص ۱۶ـ۱۸) که این بخش اخیر در جامع العلوم فخررازی غایب است. مقالهٔ چهارم و پایانی این قسمت «علوم مُحاوری» یا همان علوم تاریخ است که شاخهٔ هفتم آن، اَحاجی (چیستانها و رموز) است (← ج ۲، ص ۳۳۴ـ۳۵۹). گنجاندن این فن در ضمن علومِ محاوری نشان می دهد که نویسنده به طور کلی تاریخ را به معنای سرگرم کردن یا دست کم با کاربرد سرگرمی می دیده و دانستن آن را مثل اطلاع از چیستان و از شروط محاوران یا ندیمان می دانسته است.قسمت دوم نفائس الفنون که به علوم فلسفه/ اوایل اختصاص یافته است، با طرح جامع العلوم تفاوتهایی دارد. آملی همچون فخررازی و برخلاف سنّت معمول، این قسمت را با فلسفهٔ عملی و شاخه های فرعی اش آغاز کرده و سپس به فلسفهٔ نظری و رشته های چهارگانه و فروع آنها پرداخته است. آملی در این قسمت به فروع طبیعیات همچون طب، کیمیا و احکام نجوم و فروع ریاضیات همچون هیئت، مناظر و مرایا و رَمْل توجه ویژه کرده است. وی برخلاف فخررازی شطرنج را نه در فلسفهٔ عملی که در جایی مناسب تر، در انتهای فروع ریاضی، جای داده است (← ج ۱، ص ۱۹ـ۲۱؛ نیز ← نفائس الفنون*).

۳. دانشنامه های بینابین. در همان سالی که آملی دست در کار نگارش نفائس الفنون بود، دانشنامهٔ دیگری نیز به فارسی با نام نزهة القلوب در ایران تألیف شد که همانندهای آن را باید عمدتاً در مصر و شام عصر ممالیک جست. این دانشنامه را مورخ، جغرافی دان، شاعر و دیوانسالار ایرانی، حمدالله مستوفی قزوینی (متوفی ۷۵۰) پدید آورد. نزهة القلوب سه قسمت اصلی دارد: ۱) معادن، نباتات و حیوانات، ۲) انسان، ۳)جغرافیا. در مقدمهٔ کتاب که حاوی مباحث نجومی است (←حمدالله مستوفی، مقالهٔ ۱، ص ۸ـ۶۵)، در ضمن بحث از تقویم، حوادث پراهمیت تاریخی، از آغاز اسلام تا عصر مؤلف، به اختصار بازگو شده است (← مقالهٔ ۱، ص ۳۲ـ۴۶)؛ سپس در دیباچه از رُبْع مسکون و طول و عرض اقالیم سخن رفته است (← مقالهٔ ۱، ص ۶۵ به بعد). حمدالله مستوفی در مقالهٔ دوم، با نام نوع انسان، در چهار بخش مجزا از ویژگیهای جسمانی و نفسانی آدمی و فضائل و رذایل اخلاقی به تفصیل سخن گفته است. در بخش پیشاپایانیِ این مقاله مطالبی در عرفان آمده و در انتها از انسانهایی با اَشکال و حرکات شگفت انگیز که معمولاً موضوع عجایب نامه هاست گفتگو شده است (← ص۱۱۴ـ۱۱۶). حمدالله مستوفی در مقالهٔ سوم (ص ۱۱۶ـ ۲۴۳) با نام «در صفت بُلدان و ولایات و بِقاع»، بیشتر به جغرافیای طبیعی پرداخته است (نیز ← نزهة القلوب*).دانشنامه های بخش غربی جهان اسلام در عصر مملوکی با وجود برتری در شمار، به لحاظ رویکرد و ساختاربندی، از دانشنامه های شرقیِ سدهٔ چهارم بدین سو عقب تر بوده است. یکی از نمونه های دانشنامه های غربی چنان که گذشت ــ المستطرفِ اَبشیهی است که به لحاظ روش و ساختار و حتی محتوا تقریباً تقلیدی است از العِقدالفرید که خود تفاوت چندانی با آثار دانشنامه گون ابن قتیبه در سدهٔ سوم نداشته است. برخی دانشنامه ها یا فرهنگ نامه های تاریخی مانند تاریخِ الاسلام و سِیَر اعلام النبلاء ذهبی و شماری از نوشته های ابن تَغری بردی، سخاوی (متوفی ۹۰۲) و سیوطی (متوفی ۹۱۱) نیز که در این دوره تألیف شده، الگوهای برجستهٔ قدیم ترِ بسیاری در سرزمینهای شرقی جهان اسلام داشته است.در کنار آثار دانشنامه گونی چون المستطرف و فرهنگنامه های تاریخی، در عصر ممالیک آثاری نیز پدید آمد که برخی از آنها را می توان چیزی میان تألیفات دانشنامه گون و دانشنامه های ناظر بر طبقه بندی علوم ارزیابی کرد. این آثار عمدتاً در حوزه های جغرافیا و دبیری تألیف می شد و برای آنکه دبیران و کاتبان را به کار آید، بسیاری از اطلاعات مورد نیاز دبیران در رشته های مختلف علمی با اِعمال تقسیم بندی ویژه ای که تاحد زیادی متأثر از موضوع اصلی کتاب بود، در آنها گنجانیده می شد. در واقع این تألیفات را که اوج دانشنامه نگاری در غرب جهان اسلام بود، می توان صورت تکامل یافته و منضبط تر شبه دانشنامه های سده های سوم مانند برخی از آثار ابن قتیبه و کتابهایی چون العقدالفرید برشمرد.یکی از قدیم ترین دانشنامه های عصر ممالیک مَباهج الفِکَر و مَناهج العِبَر از محمدبن ابراهیم کُتُبی ورّاق معروف به وطواط (متوفی ۷۱۸) است که در علوم طبیعی و جغرافیایی با اسلوبی ادبی در چهار «فن» و هر فن در نه «باب» عرضه شده است. این چهار فن عبارت است از: ۱. آسمان، ۲. زمین، ۳. حیوان، ۴. گیاه. در فن نخست به نجوم و

تنجیم (← جرجیس منش، ص ۷۷۴- ۷۷۶) و در فن دوم به جغرافیای طبیعی و انسانیِ سرزمینهای اسلامی و گاه مناطق غیراسلامی پرداخته شده است (← همان، ص ۷۷۵). باب نخست فن دوم مختص بیان ویژگیهای انسانهاست و در هشت باب باقیمانده، وطواط سایر حیوانات را به اعتبار ویژگیهای جسمانی و حرکتی و وحشی یا اهلی بودن و جز اینها تقسیم بندی و بررسی کرده است (← وطواط، ص ۵۹۷-۵۹۸). ترتیب معرفی حیوانات در هریک از این هشت باب تابع هیچ معیاری نیست. یکی از اختصاصات این «فن» استشهاد وطواط است به اشعار متعدد در وصف هر حیوان. فن چهارم کتاب دربارهٔ کشت و بَرْز گیاهان و درختان گوناگون، خاصه در زمینهٔ نظام زراعت و آبیاری مصر واجد اطلاعات ارزشمندی است.نویسندهٔ هم روزگار وطواط، شهاب الدین احمد نُوَیری (متوفی ۷۳۲) در کتاب معروفش، نهایة الأرَب فی فنون الادب، علاوه بر نقلهای فراوانی که از وی کرده، باب بندی کتابش به «فنون» را نیز وامدار اوست. عنوانهای «فن»های آن کمابیش همانند مباهج الفکر است: فن اول در آسمان و اجرام سماوی و زمین و عالم فرودین است. در فن دوم، دربارهٔ انسان، نویری از هر آن چیزی که حتی کمترین پیوند را با آدمی داشته سخن رانده است؛ از اشتقاق واژهٔ انسان و وصف اعضای اندام آدمی گرفته تا چگونگی بیان عواطف و احساسات روحی و گونه های بیانی هَجا و ستایش و انواع مَثَلها. همچنین، در این فن از خصال فردی آدمیان تا شروط و وظایف وزیران و کاتبان و از زندگی شاعران عرب سخن به میان آورده و به منظور مقایسه، هر کدام از این گروههای علمی و اجتماعی را در دو دسته جداگانه «شرقی و غربی» تنظیم و معرفی کرده است. البته این زندگینامه ها ترتیب الفبایی ندارد و تقریباً ترتیب تاریخی دارد. نویسنده سپس بابهایی را به حیوانات و نباتات اختصاص داده است. وی در این بابها حدود ۱۷۰ حیوان و سیصد گیاه و درخت را معرفی و خواص آنها را بیان کرده است.فن سوم نهایة الارب در حیوان صامت است و فن چهارم در گیاه. نویری در ازای حذف موضوع زمین و جغرافیا که در کتاب وطواط آمده بود، علاوه بر فن «انسان»، فن پنجمی را هم با عنوان «در تاریخ» افزوده است. وی در این فن تاریخ عمومی و تاریخ اسلام، هر دو را مدنظر داشته است، چنان که از آغاز آفرینش آدمی و داستان خلقت تا شرح تاریخ انبیا و تاریخ شاهان ایران و ماجراهای ایام العرب و اخبار صدر اسلام تا روزگار سلطان محمد قلاوون، پادشاه مملوکی، سخن رانده است (نیز ← نهایة الارب فی فنون الادب*).دیگر دانشنامه این روزگار از آنِ ابن فضل الله عُمَری* (متوفی ۷۴۹) است با نام مسالک الابصار فی ممالک الامصار. او اثرش را بر دو قسم بسیار کلی زمین و ساکنان زمین تقسیم کرده است. در قسم اول در فصلهایی مجزا مباحث نسبتاً مبسوطی در زمین شناسی، جغرافیای طبیعی، محدودهٔ هریک از اقالیم هفت گانه، پدیده های جوّی، قبله شناسی و راه شناسی و ممالک آمده است (← ابن فضل الله عمری، سفر۱، ص ۳۴-۴۰).در قسم دوم، ساکنان زمین، مؤلف با تقسیم بندیهایی تحت عناوین نوع و باب، ابتدا بحث مفصّلی در مقایسه میان سرزمینهای شرق اسلامی (که مصر را هم، جز قاهره، جزو شرق گرفته) با غرب اسلامی و بیان مفاخرات و مزیتهای هرکدام عرضه کرده است. وی در این گفتار درصدد پاسخگویی به ابن سعید مغربی (متوفی ۶۸۵) برآمده که در کتاب المُغرب فی حُلِی المَغرب از برتری مسلمانان مغربی بر مسلمانان مشرقی سخن گفته بوده است (← ابن فضل الله عمری، سفر۵، ص ۲۷- ۲۸). به همین سبب ابن فضل الله عمری در ادامهٔ قسم دوم کتاب، برای اثبات برتری شرقیان فصلهای مجزا و مفصّلی را به بازنوشتن زندگینامهٔ محدّثان، فقیهان، نحویان، عالمان معانی و بیان، صوفیان، فیلسوفان، طبیبان و موسیقی دانان، اختصاص داده است.ابن فضل الله عمری حق عظیم و ناگزاردنی بر دانشنامه های بعد از خود، به ویژه بر اثر بی مانند قَلْقَشندی (متوفی ۸۲۱)، صبح الاعْشی فی صِناعة الانشا، دارد. قلقشندی، در مجموع، بیش از سیصدبار به نوشته های ابن فضل الله عمری در مسالک الابصار استشهاد و استناد کرده است (← بقلی، ص ۶۱۷). کتاب قلقشندی، چنان که از نامش پیداست، مختص موضوع انشاست، اما همچنان که عنوان کتاب ابن فضل الله عمری ــ ممالک و مسالک ــ مانع از ورود مؤلف آن به حوزه های دیگر نشده، قلقشندی نیز خود را صرفاً به انشا محدود و منحصر نساخته است. بااین همه، باب بندی کتاب او که در ده «مقاله» عرضه شده، جملگی بر مدار دبیری و انشاست. مثلاً مقاله دوم، باعنوان مسالک و ممالک، انباشته‌است از اطلاعات جغرافیایی، تاریخی و تشکیلات دیوانی به ویژه در مصر و شام. یا در مقالهٔ هشتم دربارهٔ آیینها و فرقه های مذهبی نسبتاً به تفصیل سخن گفته شده است. همچنان که بقیهٔ مقالات نیز از اطلاعاتی در زمینه های نام برده خالی نیست (نیز ← صبح الاعشی*).برخی صاحب نظران روی آوردن نویسندگان دورهٔ ممالیک را به دانشنامه نویسی، کوششی لازم برای نگاهبانی از میراث برجای مانده از مؤلفان پیشین، خاصه در پی حملهٔ مغولان به سرزمینهای اسلامی، برشمرده اند (← شوقی ضیف، ص ۱۹۹-۲۰۰؛ عبداللطیف حمزه، ص ۳۱۵). در مقابل، برخی نیز این گرایش را نه معلول کمبود کتب و منابع قدیم یا

بیمناکی از نابودی آنها، بلکه حاصل وفور منابع در مصر و شام به ویژه پس از حمله مغولان و انتقال یافتن میراث فرهنگی اسلامی بدان سرزمینها شمرده اند (برای این آرا و بررسی آنها ← رودگر، ص ۵۸ـ ۵۹).نظر سوم از آن کراچکوفسکی است که دانشنامه نویسی را مقتضای عصر ممالیک می داند. به باور او، نویسندگان این کتابها که اغلب خود دست در کار دیوان انشا بودند، تحت تأثیر جغرافی نویسان سده های چهارم و پنجم آثاری پدید آوردند تا دبیران را به کار آید و از جنبه های هنری و ادبی هم که مقتضای انشا و دبیری است حظّ وافر داشته باشد (← کراچکوفسکی، ص ۳۱۴ـ ۳۱۵؛ رودگر، ص ۶۱).گذشته از اینها، نوع تربیت علمی این نویسندگان را نیز باید درنظر آورد. آنها با اینکه در حوزة تخصصی علم معیّنی، ممتاز نبوده اند، به سبب بهره مندی از مایه های فراوان ادبی در اغلب دانشها دستی داشته اند، و کوشیده اند تا با تکیه بر دانشهای ادبی و بهره گیری از تجارب دیوانی خود آثاری متفاوت و ماندنی عرضه کنند. این آثار بایستی متأثر از میزان دانش و توانش نویسندگانشان اولاً کثیرالموضوع و به اصطلاح امروزی «عمومی» باشد، ثانیاً صبغة ادبی شان خیره کننده تر باشد و کاملاً به چشم آید و سرانجام به اقتضای تنوع و تعدد موضوعی حجیم و مفصّل باشد، گرچه جوهره همه آنها تلخیص بوده است.

۴) عصر تکرار و تقلید (سده های دهم تا چهاردهم). اگر همانند کراچکوفسکی (ص ۳۲۹) صبح الاعشی را پایان بخش زنجیرة دانشنامه های بزرگ و پراعتبار عصر ممالیک بدانیم، عصر ممالیک را نیز شاید بتوان فرجام دوره هایی شمرد که در آنها دانشنامه های معتبر و پرآوازه پدید آمده است. درواقع در قرنهای بعدی، دانشنامه ها با وجود رشد کمّی، به لحاظ محتوا و خاصه ساختار تکامل نیافت و حتی برخی از آثاری که در شمار دانشنامه ها قلمداد شده است، گزیده ها و به اصطلاح کشکولهایی است که طرح منسجمی ندارد و صرفاً برخی از شاخه های علوم به شکل پراکنده و عمدتاً تحت‌تأثیر ذوق شخص نویسنده در آنها گردآورده شده است. بااین همه انکار نمی توان کرد که شماری از آثاری که در قلمرو عثمانی و ایران عصر صفوی بدین سو و در هند اسلامی تألیف شده، از بقیه شاخص تر است.

الف) قلمرو صفویان. در میان دانشنامه های عصر صفوی، ریاض الابرار، به زبان فارسی، به جهاتی درخور ذکر است. این کتاب را نویسندة شیعه مذهبش، حسین عقیلی رستمداری در ۹۷۹ نوشته است (← منزوی، ص ۷۴۲). رستمداری برای تألیف کتابش آثار معتنابهی ازجمله دانشنامه های دوره های پیشین را از نظر گذرانیده و خاصه به کتاب فخررازی نظر داشته و در چندجا به اثر خود، در برابر ستّینی فخررازی، عنوان تسعینی داده است (همان، ص ۷۴۳).بااین همه، ریاض الابرار باوجود جامعیتی نسبی، به لحاظ سامان عناوین مطالب، به ویژه با نظر به طبقه بندی علوم، چندان درخور توجه نیست. شاید مزیت خاص این اثر آنجاست که در «رکن دهم» از «روضه چهارم» کتاب، دربارة رنگ کردن اشیا، از رنگهای گونه گون و چگونگی رنگ کردن کاغذها، و در پی آن از حل کردن اشیا چون زنگار و زرنیخ و جز آنها سخن گفته است (← همان، ص ۷۴۸ـ۷۴۹؛ برای بقیة دانشنامه های عصر صفوی ← حسین علی محفوظ، ص ۳۴۹ـ۳۵۲؛ برای جنبه های دانشنامه ایِ جامع بزرگ حدیثی محمدباقر مجلسی ← بحارالانوار*).

ب) قلمرو عثمانیان. از میان دانشنامه های پرشمار قلمرو عثمانی، مفتاح السعادة و مصباح السیادة، نوشتة طاشکوپری زاده (متوفی ۹۶۸) پرآوازه است. از امتیازات این کتاب، پرشماری دانشها و نظام خاص تقسیم بندی علوم در آن است. مصحح کتاب، علی دَحروج که با برهم زدن ترتیب مدخلهای آن، بدانها نظمی الفبایی بخشیده، در بخش نمایة چاپ خود (۱۹۹۸) افزون از ۳۵۰ علم مورد بحث در این کتاب را فهرست کرده است (← طاشکوپری زاده، ص ۱۰۸۱ـ۱۰۹۳). طاشکوپری زاده به تقسیم بندی علوم توجه تام داشت و تعبیر «علم تقاسیم العلوم» از مصطلحات اوست. تقسیمات درختواره ای او از علوم نشان می دهد که وی به دانش چونان باغستانی دل انگیز می نگریسته است. هم ازاین روست که همة دانشها را ذیل چند دَوحَه (تنه درخت) قسمت بندی کرده و اجزای خردتر آن را در صورت اقتضا با عنوانهایی چون شُعْبه (شاخه) و عُنْقُود (خوشه) بسط داده است. «دوحه»های هفتگانه کتاب مفتاح السَّعادة با نظر به مراتب چهارگانه وجود اشیا، یعنی وجود کتبی (کتابت)، وجود لفظی (عبارت)، وجود ذهنی (اذهان) و وجود عینی (اعیان)، شکل گرفته است. براین اساس فصل اول، یعنی علوم مربوط به خط و نویسندگی و املای حروف به علوم خطی یا کتابتی بازگشت می کند؛ فصل دوم یعنی دانشهای مخارج حروف، لغت، صرف و نحو، معانی و بیان و شعر و حتی علم تاریخ و مغازی و طبقات نگاری در ذیل علوم لفظی جای می گیرد. فصل سوم که به موضوعاتی چون منطق، علم مناظره و جدل می پردازد، به علوم ذهنی و معقولات ثانوی

پیوند می خورد. فصلهای چهارم تا هفتم همگی ناظر بر علوم عینی یا وابسته به اعیان است. در فصل چهارم، از میان اقسام چهارگانهٔ فلسفهٔ نظری از علوم الهی، طبیعی، ریاضی و نجوم و شاخه های بسیار گسترده آنها بحث می شود. موضوع فصل پنجم حکمت عملی و شعبه های آن چون اخلاق، تدبیر منزل، سیاست و فرماندهی نظامی است. فصل ششم مختص دانشهای شرعی چون قرائت، روایت حدیث، تفسیر، درایة الحدیث، کلام، اصول فقه و فقه است. علم مغازی نیز که جزو شاخه های فصل اول (علوم خطی) بوده، در اینجا نیز تکرار شده است. طاشکوپری زاده در بخش دوم کتاب یکسره به فصل هفتم، علوم باطن، پرداخته است. وی که این فصل را غزالی وار به چهار شعبه کلی عبادات، عادات، مُهلکاتِ و مُنجیات تقسیم کرده، در آنها به تفصیل دربارهٔ اسرار احکام شرعی و فضائل و رذایل اخلاقی سخن گفته است (← مقدمه، صLIII-XXX).از امتیازات برجسته مفتاح السعادة آن است که نویسنده در ذیل بسیاری از علوم، کتابهای تألیفی در آن علوم را با ذکر شروح و تلخیصهای آنها معرفی می کند و در معرفی هر کتاب، وجه اهمیت آن و جایگاهش را در میان سایر آثار مشابه بازمی نماید (الوائی، ص ۳۹۵).اهتمام ویژه طاشکوپری زاده در مقدمهٔ کتاب به بیان شرایط و وظایف و آداب دانش آموزان و نیز اختصاص بخش دوم کتاب به علوم باطنی و توجه به تصفیهٔ درون نشان می دهد که اهداف آموزشی و تربیتی در تألیف این کتاب سخت در مدّنظر نویسنده بوده است (← طاشکوپری زاده، ص ۱۱ـ۵۳؛ برای دیگر دانشنامه های قلمرو عثمانی ← حسین علی محفوظ، ص ۳۴۸ـ۳۶۴).

ج) قلمرو هند اسلامی. هم زمان با گسترش دانشنامه های فارسی در ایران، در هند اسلامی نیز که پس از حملهٔ مغول به مرکز دیگری برای زبان فارسی تبدیل شده بود، تألیف دانشنامه تداوم داشت. با آنکه دانشنامه نگاری در شبه قاره آهنگی کندتر از لغت نامه نویسی و فرهنگنامه نویسی داشته است، دستاوردهای آن دست کم به لحاظ کمّی چشمگیر می نماید. محمدحسین ساکت در مقاله ای دربارهٔ دانشنامه نویسی در شبه قاره، چهل دانشنامه تألیف شده در هند را، از سده دهم تا چهاردهم، فهرست کرده است (← ص ۳۷ـ۴۷).یکی از قدیم ترین دانشنامه های هند اسلامی، دانش نامه جهان، نوشتهٔ غیاث الدین علی حسینی اصفهانی (قرن نهم)، است. این دانشنامه که می توان آن را در شمار دانشنامه های علوم طبیعی آورد، حاوی اطلاعاتی دربارهٔ آفرینش جهان و انسان، هیئت، نجوم، فیزیک، معادن، گیاه شناسی، حیوان شناسی و کالبدشناسی آدمی است (← حسینی اصفهانی، ص ۵ـ۹).کشاف اصطلاحات الفنون (تألیف ۱۱۵۸)، مشهورترین اثر محمد اعلی/ علی تهانوی*، پرآوازه ترین دانشنامهٔ هند اسلامی است. این اثر حاوی مصطلحات دانشهای اسلامی و علوم یونانی است که براساس ریشهٔ مادّه و حروف معجم ترتیب یافته است. مقدمهٔ مفصّل کتاب، به دلیل احتوا بر مباحثی دربارهٔ مفهوم و مصداق علم و تعریف دانشهای گوناگون و ارائهٔ تقسیم بندیهای مختلف از دانشها، از لحاظ مطالعات طبقه بندی علوم درخور توجه است (← تهانوی، ج ۱، ص ۲ـ۵۳). کتاب به دو قسمت بسیار کلی اصطلاحاتِ عربی و فارسی تقسیم شده است. فن دوم (ج ۳، ص۱۵۵۰ـ۱۵۶۴) که حجم بسیار کمتری دارد، بیشتر به بحث در باب اصطلاحات صوفیه اختصاص یافته است. تهانوی باوجود اختصاص دادن فن دوم به اصطلاحات فارسی، در فن اول هم اصطلاحات فارسی را به کار برده است (مثلاً ← ج ۱، ص ۵۶، ۲۴۰، ج ۲، ص ۸۵۴ ـ ۸۵۵ ، ۹۴۶، ج ۳، ص ۱۵۰۴).دیگر دانشنامه دو زبانه که آن هم در نیمهٔ دوم سدهٔ دوازدهم تألیف شده است، غَزْلان هند از آزاد بلگرامی (متوفی ۱۲۰۰) است که دو مقصد پایانی آن به فارسی است (← ساکت، ص ۴۲).جز این دو اثر، باقی دانشنامه ها یکسر به زبان فارسی است، که از میان آنها چند کتاب بیشتر درخور ذکر است: جواهر العلوم همایونی، از محمدبن فاضل مسکینی قاضی سمرقندی که در ۹۳۴ برای همایون گورکانی در ۱۲۰ دانش روزگار، بر گرته نفائس الفنون و ستّینی نوشته شده است (← همان، ص ۳۸)؛ شجرهٔ دانش نوشتهٔ نظام الدین احمد گیلانی (متوفی ۱۰۵۹) شاگرد میرداماد که در دربار عبدالله قطب شاه (حک : ۱۰۳۵ـ۱۰۸۳) در حیدرآباد دکن به سر می برد. این مجموعه حاوی ۱۰۲ رساله است که هشتاد رساله از گیلانی و ۲۲ رسالهٔ دیگر گزیده ای از رسایل دیگران است (آقابزرگ طهرانی، ج ۲۳، ص ۲۷۹؛ نیز ← ساکت، همانجا)؛ تحفة الهند که میرزامحمدخان بن فخرالدین محمد آن را در قرن یازدهم در علوم معیّنی چون دانشهای ادبی و الفبای هنری، حوزه های مرتبط با مناسبات انسانها با یکدیگر (باعنوان «علم عاشقی و معشوقی»)، قیافه شناسی و موسیقی نوشته است. بخش موسیقی این اثر با تکیه بر موسیقی هندی در ده فصل، از مهم ترین بخشهای کتاب است (← دانش پژوه، ص ۶۹)؛ مطلع/ مطالع الهند نوشتهٔ سلامت علی طبیب بن شیخ محمد عجیب در ۱۲۲۳ در بنارس، در موضوعاتی چون فلسفه، هندسه، هیئت، موسیقی و رسوم هندیان (← ساکت، ص ۳۹).اثر درخور ذکر دیگر در هند اسلامی مطلع العلوم و مجمع الفنون واجد علی هوگلوی است که تألیف آن در ۱۲۶۲ در

دو دفتر به پایان رسیده است. نویسنده بنابه گفتهٔ خود(ص ۵)، با مشاهدهٔ افول آموزش نوآموزان در دبستانهای فارسی زبان، با تألیف این اثر درصدد رفع این نقیصه برآمد.دفتر اول کتابش باعنوان «مطلع العلوم» حاوی ۳۷ باب با فصول متعدد است. این دفتر با اینکه جامع بسیاری از دانشهاست، از لحاظ چینش مطالب در رده بندی دانشها آشفتگیهای چشمگیری دارد. حتی مباحث فلسفهٔ نظری او نیز باب بندی معمول و متداول خود را ندارد. بااین همه،دفتر دوم این کتاب به لحاظ شناخت مشاغل و صنایع شناخته شده در هند دورهٔ اسلامی در سدهٔ دوازدهم بسیار مفید و مغتنم است. در این دفتر باعنوان «مجمع الفنون»، نویسنده با تقسیم مشاغل به چهار دستهٔ اعلی، اوسط، دَنّی و ادنی، دربارهٔ بیش از یکصد شغل سخن گفته است. مراد نویسنده از مشاغل و فنون اَدنی، یا به تعبیر خودش فنون شیطانی، مشاغلی چون دزدی، قماربازی و راهزنی بوده است (← هوگلوی، ص ۵۴۳ـ ۵۴۵).یکی از متأخرترین دانشنامه های هند اسلامی ابجدالعلوم، نوشتهٔ صدّیق بن حسن قنّوجی (متوفی ۱۳۰۷؛ ← صدیق حسن خان*)، است. جلد نخست این کتاب شامل مباحثی جامع در باب ماهیت علم، منشأ و تقسیمات علوم و جز اینهاست. در جزء دوم، رشته های گوناگون علمی جملگی به ترتیب الفبایی بررسی شده اند. در جلد سوم در ذیل عناوین پانزده علم اسلامی و چهار علم فلسفی (نجوم، حکمت، طب و منطق) که بی هیچ ترتیبی درپی هم آمده اند، عالمان و مؤلفان مشهور هریک از این رشته ها ــ بدون ترتیب الفبایی یا تاریخی ــ به اختصار معرفی شده اند؛ آن گاه قنّوجی جداگانه به معرفی علمای حرمین شریفین، یمن، هند و علمای قنّوج ــ باز هم بی هیچ نظمی ــ پرداخته است. قریب به تمام صاحبان تراجم در این بخش اخیر، عالمان سدهٔ دهم بدین سو هستند. به طور کلی اهمیت ویژهٔ ابجدالعلوم به علت اشتمال آن بر زندگینامهٔ علمای هند، به ویژه قنوج، در دو بخش پایانی کتاب (جلد سوم) است.

۵) دانشنامه نگاری در عصر جدید. دانشنامه نویسی مسلمانان در عصر جدید درواقع به پیروی و بر سبک وسیاق دانشنامه نویسی غربی استمرار یافته است. در این میان، سهم اصلی از آنِ >دایرة المعارف اسلام< (چاپ لیدن) است که بر سیر دانشنامه نویسی به زبانهای اصلی جهان اسلام در دورهٔ جدید تأثیری قاطع و درازمدت نهاد.

الف) زبان عربی. در میان دانشنامه های غربیِ سدهٔ نوزدهم، > فرهنگ لاروس< و >دایرة المعارف آمریکانا< به سبب پیوندشان با دانشنامه نویسی شرقی/ اسلامی درخور توجه است. درواقع نخستین دانشنامهٔ برجستهٔ نوین در زبان عربی و جهان اسلام با نام دائرة المعارف البستانی، اثر معلّم بُطْرُس بستانی (چاپ نخستین جلد: ۱۲۹۳/ ۱۸۷۶) مارونی لبنانی، که خود واضع اصطلاح «دایرة المعارف» هم بوده، بیشتر بر ترجمه > دایرة المعارف آمریکانا< (طبع دوم) ابتنا دارد و بخشهای مرتبط با ادب عرب و اسلام را خود بستانی یا همکاران او افزوده اند (← اسعدی، ص ۳۴؛ نیز ← بستانی*).شش جزء از یازده جزء این دانشنامه را بستانی با همکاری فرزندش سلیم در فاصلهٔ ۱۸۷۶/۱۲۹۳ تا ۱۸۸۳/۱۳۰۰ در بیروت منتشر کرد. پس از درگذشت بستانی اجزای هفتم تا یازدهم (تا مدخل «عثمانیه») به کوشش پسرانش در فاصلهٔ ۱۸۸۳/۱۳۰۰ تا ۱۹۰۰/۱۳۱۸ انتشار یافت. در دائرة المعارف البستانی که در ۱۳۳۵ش/ ۱۹۵۶ محل بازآرایی و بازنویسی فؤاد افرام بستانی و شماری از دانشمندان و محققان مسلمان و خاورشناس، قرار گرفت و پانزده جلد آن تا مدخل «اَفر» چاپ شد، این ویژگیها درخور توجه است: عام و الفبایی و مصور است؛ اغلب مقالات امضا و هر مقاله کتاب شناسی مبسوطی دارد؛ اسامی و اعلام بیشتر با حروف انگلیسی آوانویسی شده است؛ در هر جلد فهرست اسامی نویسندگان مقالات ذکر شده است (← اسعدی، همانجا).دومین دانشنامهٔ عربی ـ اسلامی نیز با نام دائرة معارف القرن الرابع عشر/ العشرین، نوشتهٔ محمدفرید وَجْدی* (طبع اول : قاهره در فاصلهٔ ۱۲۸۹ـ۱۲۹۷ش/ ۱۹۱۰ـ ۱۹۱۸) ظاهراً از >فرهنگ لاروس <تأثیراتی پذیرفته است؛ خاصه آنکه وجدی در مقدمهٔ کوتاهش از آشنایی خود با این دایرة المعارف سخن گفته است (← ج ۱، ص ۴). زیرْعنوان تفصیلی دائرة معارف القرن الرابع عشر/ العشرین وجهه نظر بسیار عام و فراگیر این اثر را نشان می دهد (اسعدی، ص ۳۵).پس از دایرة المعارف وجدی، گامهای پسین در دانشنامه نگاری نو به زبان عربی، در پیوند وثیق با >دایرة المعارف اسلام< است. درواقع می توان گفت از طریق ترجمه های عربی و سپس ترکی و اردو >دایرة المعارف اسلام< بود که مسلمانان رفته رفته با دانشنامه نگاری نو و ضرورتهای آن کاملاً آشنا شدند. ترجمه های عربیِ هرچند ناتمام از چاپ اول و دوم این اثر از ۱۳۱۲ش/ ۱۹۳۳ بدین سو و سپس ترجمهٔ دیگری از گزیده مقالات این دو (طبع در ۱۳۷۷ش/۱۹۹۸)، این هم پیوندی را به خوبی نشان می دهد (← دایرة المعارف اسلام*).در ۱۳۳۰ش/ ۱۹۵۱ احمد عطیة الله دانشنامه ای تک جلدی و نه چندان درخور توجه به نام دایرة المعارف الحدیثة در قاهره منتشر کرد. زیرْعنوان توضیحی

این اثر، موسوعة عامة فی اللغة... ابجدیاً...، رویکرد عمومی و الفبایی آن را بازمی نمایاند؛ بااین همه صبغه کمابیش اسلامی این اثر برجسته تر است (اسعدی، همانجا).چند سال بعد در ۱۳۳۸ش/ ۱۹۵۹ با موافقت جمال عبدالناصر با طرح تدوین دانشنامه ای عمومی و تک جلدی براساس > دایرة المعارف کوچک کلمبیا وایکینگ< که انتشارات فرانکلین در قاهره، ارائه داده بود، زمینه های تشریک مساعی شمار زیادی از دانشمندان مصری و عرب فراهم آمد. حاصل نهایی این همکاریها دانشنامه ای دو جلدی بود با نام الموسوعة العربیة المیسّرة (چاپ اول: ۱۳۴۴ش/ ۱۹۶۵) که در قیاس با مشابه فارسی خود، دایرة المعارف فارسی* تدوین غلامحسین مصاحب کاستیها و ضعفهای درخور توجهی دارد (← الموسوعة العربیة المیسّرة، ج ۱، ص ج، ه ، ی؛ اسعدی، ص ۳۵-۳۶).شاید بتوان نیم قرن اخیر را در میان کشورهای عربی ــ همانند بسیاری دیگر از کشورهای اسلامی ــ عصر رونق دانشنامه نگاری به شمار آورد. خاصه از آن رو که دولتها با پیش گرفتن سیاست حمایت از دانشنامه نگاری در پی افزودن اعتبار علمی و سیاسی و فرهنگی خودند و به دانشنامه ها به مثابه هویت ملی کشور خود می نگرند. ازسوی دیگر، بسیاری از شخصیتهای حقیقی یا شرکتها و بنگاههای خصوصی و نیز دولتی برای جلب نظر مخاطبان، منشورات علمی اختصاصی یا عمومی خود را با نام دایرة المعارف یا موسوعه عرضه می کنند. این سخن البته به معنی بی اهمیت بودن اهتمامهای فردی در تدوین دانشنامه نیست؛ چنان که یکی از این دست دانشنامه ها را منیربَعْلَبَکی با نام موسوعة المورد به تنهایی در ده مجلد سامان داده و در ۱۳۵۹-۱۳۶۲ش/ ۱۹۸۰-۱۹۸۳ آن را منتشر کرده است. این کتاب ذیل و تکمله ای است بر قاموس انگلیسی عربی المورد. در این کتاب، ضبط انگلیسی اعلام، ملاک قرار گرفته و مدخلها به ترتیبِ الفبای انگلیسی تنظیم شده است (← بعلبکی، ج ۱، ص ۷).نمونه دیگر،دائرة المعارف الشیعیّه العامّة،نوشتة محمدحسین اعلمی (متوفی ۱۳۴۹ش) است. در این دایرة المعارف، باوجود اهتمام خاص به موضوعات شیعی، موضوعات عام اسلامی و حتی مباحث و مدخلهای غیراسلامی نیز تاحدی مورد توجه قرار گرفته است. در این دانشنامه رجال شیعی و اسلامی بیش از سایر مدخلها به چشم می آیند. نویسنده در وضع مدخلهای رجالی خود را به رجال درگذشته مقید نکرده و زندگان را نیز مدخل کرده است. وی حتی در ذیل نام شهرها (مثلاً قرطبه) بیش از معرفی شهر به ذکر نام علمای منسوب بدان توجه نشان داده است. گاه در این دانشنامه اعلام رجالی در ذیل عناوینی عام قرار گرفته اند، مانند شاهان پیشدادی تا ساسانی که باعنوان «ملوک الفُرس» در ذیل مدخل «انسان» معرفی شده اند. این دانشنامه با آنکه به لحاظ زمانی جدید است، فاقد برخی از ویژگیهای دانشنامه های جدید است، مثلاً در پایان مقالات، منابع ذکر نشده اند یا در تعیین حجم مقاله ها، اهمیت ذاتی مدخلها ملحوظ نشده است.در همین ایام، ظاهراً از ۱۳۹۵ (۱۳۵۴ش)/ ۱۹۷۵، سیدحسن امین (متوفی ۱۳۸۱ش/ ۱۴۲۳)، دانشمند شیعه لبنانی در بیروت دانشنامه ای با موضوعات و مدخلهای اسلامی با نام الموسوعة الاسلامیة در شش جلد تا مدخل «مجمع الامثال للمیدانی» منتشر کرد.دانشنامه دیگری نیز با نام دائرة المعارف الاسلامیة الشیعیة زیرنظر حسن امین از ۱۳۹۳ (۱۳۵۱ش)/۱۹۷۳ به بعد منتشر شده است که به مدخل «الیوم الموعود» در جلد ۲۵ ختم شده و سپس ادامة جلد ۲۵ و نیز جلد ۲۶ آن به مستدرکات اختصاص یافته است. در این دانشنامه اعلام رجال مدخل نشده است، چه نویسنده نخواسته این نامها ــ که در اثر دیگر وی و پدرش سیدمحسن امین* عاملی، اعیان الشیعة* (در ده جلد)، و مستدرکات آن (در دوازده جلد) آمده است ــ در اینجا تکرار شود. بااین همه در مطاوی مجلد اول که در حکم مقدمه ای بر این دایرة المعارف است، همة امامان شیعه و نیز حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها را در قالب مدخلهای مجزا معرفی کرده است.نشرِ گونه ای از دانشنامه های اختصاصی، یعنی دانشنامه های موضوعی نیز در جهان عرب در این سالها رواج داشته است. یکی از این آثار الموسوعة الفلسطینیة است که در چهار جلد در ۱۳۶۳ش/۱۹۸۴ در دمشق انتشار یافته است. این دانشنامه که با مشارکت بیش از دویست پژوهشگر فراهم آمده است (← الموسوعة الفلسطینیة، ج ۱، مقدمة عبدالهادی هاشم، ص ج)، ترتیب الفبایی دارد. منابع اندکی در ذیل مقالات درج شده و امضای نویسنده در پای مقاله ها نیامده است. معیار مدخل گزینی در این دانشنامه فلسطین است و هر آنچه با آن پیوندی دارد. از این رو، در این کتاب مدخلهای مرتبط با یهود و اسرائیل چون تلمود*، تلموند (نام زندانهای اسرائیلی)، در کنار مدخلهای اسلامی مانند ایوبیون (سلسلة مسلمان که شخصیت مشهور آنان، صلاح الدین ایوبی، در ۵۸۸ بیت المقدس را از چنگ صلیبیها آزاد کرد) جای گرفته اند. در الموسوعة الفلسطینیة حتی مدخلهایی چون شیلی، امریکای لاتین و پاکستان به اعتبار پیوند و موضعی که دربارة فلسطین یا رژیم اشغالگر اسرائیل داشته است، دیده می شود. اما ایران که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ش و استقرار جمهوری اسلامی سخت ترین مواضع ضداسرائیلی را در پیش گرفته و حتی سیاست خارجی اش را بر محور ضدیت با آن رژیم تنظیم کرده است، جایی

در میان این مدخلها ندارد. شاید به جبران همین کاستیها بود که در فاصلهٔ ۱۳۸۵ـ۱۳۸۶ش، بر گرته همین الموسوعة الفلسطینیة و نیز دانشنامهٔ فلسطین (چاپ ۱۳۸۰، چهار جلد)، مجید صفاتاج فرهنگ جامع فلسطین را انتشار داد. چون الموسوعة الفلسطینیة تا تاریخ ۱۳۶۱ش/ ۱۹۸۲ پیش آمده، افزوده های فرهنگ جامع فلسطین از این تاریخ تا ۱۳۸۴ش/ ۲۰۰۵ و نیز مدخلهای ایرانی آن، مزیت ویژه این فرهنگ بر آن موسوعه است (← صفاتاج، ج ۱، ص م).از همانندهای چنین دانشنامه هایی می توان به معلمة المغرب اشاره کرد که زیرنظر محمد حِجّی و با مشارکت نویسندگانِ عمدتاً مغربی در فاصلهٔ ۱۴۱۰ تا ۱۴۲۶/ ۲۰۰۵ در سلا منتشر شده است. این دانشنامه که مشتمل بر جمیع موضوعات هم پیوند با کشور مغرب و مغرب اقصای اسلامی است، می توان دانشنامه ای عام در محدودهٔ مغرب به شمار آورد (← معلمة المغرب، ج ۱، مقدمه، ص ۸ ـ۹). مقاله های معلمة المغرب ارجاعات درون متنی ندارد و منابع که عمدتاً به زبان عربی یا فرانسه اند، فقط در پایان هر مقاله آمده اند.در میان دانشنامه های عربی، الموسوعة العربیة که با تصمیم دولت سوریه و با مشارکت شمار زیادی از نویسندگان تألیف شده، در شمار اولین دانشنامه های عمومی عربی است که به سرانجام رسیده است. این دانشنامه مصور که زمینه های شکل گیری آن در ۱۳۶۰ش/ ۱۹۸۱ آغاز شده (الموسوعة العربیة، ذیل «الموسوعة العربیة») در فاصلهٔ ۱۳۷۷ش/ ۱۹۹۸ تا ۱۳۸۷ش/ ۲۰۰۸ در ۲۲ جلد در دمشق انتشار یافته است.دیگر دانشنامهٔ عمومی و مصور عربی، که با همکاری شمار بسیاری از محققان فراهم آمده، الموسوعة العربیة العالمیة است که در ۲۷ جلد در ریاض انتشار یافته است (چاپ اول: ۱۴۱۶/ ۱۹۹۶؛ چاپ دوم: ۱۴۱۹/ ۱۹۹۹). این دانشنامه که برپایهٔ > دایرة المعارف ورلد بوک< شکل گرفته و در چاپ دوم حاوی حدود۲۳،۰۰۰ مدخل است، درعین حال حاوی توضیحات و افزوده ها و اصلاحاتی بر آن مقالات و نیز مشتمل بر مقاله های تألیفی بسیاری، به ویژه در حوزهٔ موضوعات عربی و اسلامی و شماری از موضوعات جهانی جدید، است (← الموسوعة العربیة العالمیة، ج ۱، مقدمهٔ چاپ دوم، ص ۱۷ـ۲۰). در پایان مقاله های این دانشنامه نه تنها نام نویسنده نیامده، بلکه به جای منابع، نام مدخلهای مرتبط با آن ذکر شده است. انضمام معجم انگلیسی ـ عربی و برعکس، به عنوان جلد ۲۸، و نیز کشّاف الموسوعة العربیة العالمیة (جلدهای ۲۹ و ۳۰) در ۱۶۴۶ صفحه به این دانشنامه، استفاده از این مجموعهٔ مفصّل را آسان تر و عام تر کرده است.یکی از حجیم ترین دانشنامه های اسلامی در این سالها الموسوعة الذهبیة للعلوم الاسلامیة، نوشتهٔ فاطمه محمد محجوب، است که در ۵۴ مجلد تا مدخل «الصخره و القبّة و الاقصی» در ۱۴۱۴/ ۱۹۹۳ در قاهره منتشر شده است. با اینکه فاطمه محمد محجوب کوشیده است تا تمام مدخلهایش را به گونه ای در پیوند با یکی از علوم اسلامی معرفی کند (← ج ۱، ص۱۰ـ۱۳)، به نظر می رسد این دانشنامه را با نظر به احتوای آن بر موضوعات گوناگون تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی، باید دانشنامه ای فراتر از حوزهٔ علوم اسلامی به شمار آورد. در این اثر مدخلهای مربوط به مدارس، کتابهای ادبی و فقهی و مکاتب نحوی و فقهی مورد توجه خاص نویسنده قرار گرفته است.در این سالها دانشنامه های متعددی در حوزهٔ جغرافیای کشورها و شهرها، فلسفه، منطق، تاریخ، تمدن اسلامی، موسیقی، ادیان، مطالعات مذهبی و فقه در کشورهای عربی و اسلامی انتشار یافته است. از جدیدترین این نمونه ها می توان به مجموعه عظیم ۴۵ جلدی الموسوعة الفقهیة برمبنای مذاهب چهارگانهٔ اهل سنّت و دارای نظمی الفبایی اشاره کرد که وزارت اوقاف و امور اسلامی کویت منتشر کرده است (۱۴۰۴ـ۱۴۲۷).مهم ترین گام در نگارش دانشنامه های فقهی در سالهای اخیر در میان شیعیان، تألیف موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البیت است. ضرورت تألیف چنین دانشنامه ای ایجاد نظام جمهوری اسلامی ایران و ابتنای قوانین آن بر فقه امامی از یک سو و بی اعتنایی به فقه اهل بیت در دانشنامه هایی چون الموسوعة الفقهیه از سوی دیگر بوده است (موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البیت، ج ۱، ص ۸۴ـ۸۵). مقدمات نگارش این دانشنامه با ایجاد مؤسسه موسوعة الفقه الاسلامی با حکم آیت الله سیدعلی خامنه ای به سیدمحمود شاهرودی فراهم آمد. برخی از ویژگیهای این دانشنامهٔ مفصّل که از ۱۴۲۳/ ۱۳۸۱ش تا ۱۴۳۲/ ۱۳۹۰ش ۲۱ مجلد آن تا مدخل «بَیطرة» در قم منتشر شده اینهاست: در ابتدای هر مقاله ابتدا مدخل از لحاظ لغوی و سپس از حیث اصطلاحی با استناد به منابع معتبر و متعدد بررسی شده است؛ مشخصات منابع به جای پایان هر مقاله در پایان هر جلد آمده و در انتهای مقالات به ذکر عناوین مدخلهای مرتبط اکتفا شده است.مؤسسهٔ موسوعة الفقه الاسلامی همچنین از ۱۴۲۳/ ۱۳۸۱ش انتشار دانشنامه ای فقهی تطبیقی را با نام موسوعة الفقه الاسلامی المُقارِن زیرنظر سیدمحمود هاشمی شاهرودی آغاز کرده است. این اثر نه فقط در ظاهر و ساختار مشابه موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البیت است، بلکه به نظر می رسد متن آن و ارجاعاتش نیز جز در مقام بیان آرای فقهی اهل سنّت، تلخیص بسیار فشرده ای از همان موسوعة است. در عموم مقاله

های این دانشنامه، ابتدا آرای فقهی مذهب فقهی امامی، با تفصیل بیشتر، و سپس فتاوی و آرای فقهای اهل سنّت بازگو شده است.

ب) زبان ترکی. در میان ترکان، نخستین اهتمام برای دانشنامه نگاری از آنِ علی سعاوی* بود که در ۱۲۸۷/ ۱۸۷۰مجموعاً پنج جزوه به نام قاموس العلوم و المعارف به پیوستِ نشریه علوم در پاریس منتشر کرد که آخرین مدخل این جزوه ها «اتابک» بود (← لوند ، ج ۱، ص ۴۶۳ـ۴۶۵). در همین دهه در سالهای ۱۲۹۹ـ۱۳۰۰/ ۱۸۸۲ـ۱۸۸۳ احمد رفعت افندی یاغلقچی زاده یک دانشنامهٔ هفت جلدی باعنوان لغات تاریخیه و جغرافیه منتشر کرد که در علوم شیمی و فیزیک و گیاه شناسی نیز مدخلهایی دارد و خاصه به اختراعات و ماشینها توجه نشان داده است (د.ا.د.ترک، ج ۳، ص ۲۲۳).از این پس تا ۱۳۱۸/۱۹۰۰، دست کم شش دانشنامه درخور ذکر دیگر نیز پدید آمد که از میان آنها به جز قاموس الاعلام شمس الدین سامی* (چاپ اول: ۱۸۸۹ـ۱۸۹۸، ۶ج)، که درواقع دانشنامه ای تاریخی ـ جغرافیایی است، و سِجِلّ عثمانی، حاوی شرح حال بیست هزار تن از مشاهیر عثمانی، نوشته محمد ثریا* (چاپ اول: ۱۸۹۰ـ۱۸۹۷، ۴ج)، و ممالک عثمانیه نک تاریخ و جغرافیا لغتی (فرهنگ لغات تاریخی و جغرافیایی ممالک عثمانی)، تألیف علی جواد (چاپ اول : ۱۳۱۳ـ۱۳۱۷، ۴ج؛ ← لوند، ج ۱، ص ۴۶۷ـ۴۷۱)، باقی در همان آغاز راه از ادامه کار بازماندند (← د.ا.د.ترک، همانجا).در سه دهة نخست قرن بیستم نیز دست کم همین تعداد (شش) دانشنامه ناتمام به ترکی منتشر شد که از میان آنها اهمیت > دانشنامة کودک< (سال چاپ جلدهای یکم تا چهارم : ۱۳۰۶ش/ ۱۳۴۶/ ۱۹۲۷) به ویژه از آن روست که آخرین دانشنامه ای است که پیش از تغییر الفبای ترکی به لاتین (۱۳۰۷ش/ ۱۹۲۸) انتشار یافت. وجه دیگر اهمیت این دانشنامه ناتمام آن است که برخلاف اسلافش در عنوان آن واژة «انسیکلوپدی» به کار رفته است. از آن پس، این واژة بیگانه جای عناوین عربی این قبیل آثار را گرفت و تداول عام یافت (← همان، ج ۳، ص ۲۲۴). برای نمونه می توان از نخستین دانشنامه پس از > دانشنامة کودک< باعنوان >دانشنامه حیات< نام برد که براساس دو دایرة المعارف امریکایی با نامهای >دایرة المعارف مصور کامپتون< (۱۹۲۲) و دایرة المعارف >آموزشگر امریکایی< (۱۹۱۹) تدوین شده است (← همانجا).در دهة ۱۳۲۰ش/ ۱۹۴۰ دولت نیز دست در کار نشر دانشنامه ها شد و در این کار سیاست ترجمة دانشنامه های غربی و اقتباس و گرته برداری از آنها در مدنظر قرار گرفت؛ چنان که ترجمه ویرایش نخست > دایرة المعارف اسلام<(چاپ لیدن)، به سرپرستی حسن علی یوجل و با نام > دایرة المعارف اسلام]ترک<[در فاصلة سالهای ۱۳۲۰ش/ ۱۹۴۱ تا ۱۳۶۷ش/ ۱۹۸۸ در سیزده جلد به چاپ رسید. این اثر ترجمة صرف نیست و در مواردی با تألیف و افزودن تکمله کاستیهای متن اصلی آن برطرف شده است (← د.ا.د.ترک، همانجا؛ د.ا.ترک، ج ۱، مقدمه، ص XIX-XVIII؛ نیز ← دایرة المعارف اسلام*).ناتمام ماندن دانشنامه ها دامن دانشنامه های دولتی را نیز گرفت. مثلاً ترجمة دانشنامة فرانسوی >دایرة المعارف موضوعی بزرگ لاروس< که به اهتمام وزارت معارف در ۱۳۲۱ش/ ۱۹۴۲ آغاز شد، در ۱۳۲۲ش/ ۱۹۴۳ در بخش فیزیک و جغرافیا ناتمام ماند (← د.ا.د.ترک، همانجا). این وزارتخانه از ۱۳۲۲ش/ ۱۹۴۳ انتشار دانشنامه ای ملی را به سرپرستی حسن علی یوجل و با مشارکت دانشمندانی چون عبدالباقی گولپینارلی، شمس الدین گون آلتای و مسعود کمال یتکین آغاز کرد که جلد سی وسوم و نهایی آن در ۱۳۶۵ش/۱۹۸۶ به چاپ رسید. چهار جلد نخست آن >دانشنامه اینونو< ، منسوب به عصمت اینونو* رئیس جمهور وقت ترکیه، نام داشت، ولی پس از اینونو، بقیه باعنوان >دایرة المعارف ترک< چاپ شد. این دایرة المعارف نخستین دانشنامة عمومی دولتی است که در گزینش و تدوین مدخلهای آن نگرش حاکم بر عصر جمهوریت ترکیه بسیار دخیل بوده است. در این دایرة المعارف بیشتر واژه های فارسی و عربیِ رایج در زبان ترکی عثمانی حذف و واژه های ترکی جایگزین شده است (ارطغرل، ص ۴۴؛ د.ا.د.ترک، همانجا). وزارت معارف همچنین در ۱۳۳۳ش/ ۱۹۵۴، به تولید و نشر دانشنامه ای اختصاصی باعنوان >دانشنامه هنر< در پنج جلد دست زد که بیشتر مقالاتش را جلال عارسون از دانشنامه های فرانسوی ترجمه کرد (← د.ا.د.ترک، همانجا).در دهة پنجاه میلادی، ظاهراً شمار دانشنامه های به انجام رسیده بیشتر از دانشنامه های نیمه کاره بود. از آن میان، می توان دانشنامه های زیر را نام برد: >دانشنامة ترکیه<(چاپ ۱۹۵۶ـ۱۹۵۸)؛ >دانشنامه مصور تاریخ عثمانی<تألیف مدحت سرت اوغلو (۱۹۵۸) و >دانشنامة زندگینامه ها< از افشین اوکتای و کمال باغلوم (۱۹۵۹؛ ← همان، ج ۳، ص ۲۲۵). این روند در دهة شصت جهتی معکوس یافت و بر شمار آثار نیمه تمام یا چاپ نشده افزوده شد. بااین همه، در این دهه انتشارات حیات توانست کار نشر چند دانشنامه را به پایان برد: >دانشنامة حیات< در شش جلد؛ >دانشنامة خانوادة حیات< در دو جلد؛ >دانشنامة کوچک حیات<، و >دانش مصور< برای

کودکان دبستان (چاپ ۱۹۶۴؛ همانجا).همچنین کتابخانه آرقین در فاصلهٔ سالهای ۱۳۴۷ش/ ۱۹۶۸ تا ۱۳۵۱ش/ ۱۹۷۲ نشر >دانشنامهٔ جمهوریت<، حاوی پانزده هزار مدخل و بیست هزار تصویر رنگی و نقشه، را به پایان رساند (>دایرة المعارف زبان و ادبیات ترکی< ، ذیل "Ansiklopedi"؛ د.ا.د.ترک، همانجا). با ترجمهٔ >دانشنامهٔ بزرگ لاروس< و افزودن تکمله ها و مقالاتی به آن در ۱۳۴۸ش/ ۱۹۶۹، کار نشر نخستین دانشنامهٔ بزرگ ترکیه با نام > لغتنامه و دانشنامهٔ بزرگ میدان ـ لاروس< آغاز شد که در ۱۳۵۲ش/ ۱۹۷۳ در دوازده جلد به پایان رسید و تا ۱۳۶۴ش/ ۱۹۸۵، دو جلد دیگر به آن ضمیمه شد. این دانشنامه از نظر توفیق در بازاریابی و به طورکلی استقبال عمومی، نقطه عطفی در سیر نگارش دانشنامه ها در ترکیه محسوب می شود (← د.ا.د.ترک، همانجا).از آن پس گروههای علمی و مؤسسات انتشاراتی ترکیه فعالیت خود را در تدوین و نشر دانشنامه ها بیشتر کردند. حاصل این مساعی دایرة المعارفهای بسیاری است که به نام شماری از آنها اشاره می شود: > دانشنامهٔ عمومی فرهنگ گلیشیم< (۱۹۷۶ـ ۱۹۷۹) در هشت جلد توسط انتشارات گلیشیم؛ > دانشنامهٔ زبان و ادبیات ترکی<، توسط انتشارات درگاه (۱۹۷۶ـ۱۹۹۰)؛ >دانشنامهٔ تمدنهای آناطولی< در شش جلد از نشر گورسل (۱۹۸۲)؛ >دانشنامهٔ ترکیه: از تنظیمات تا جمهوریت< در شش جلد از نشر ایلتیشیم (۱۹۸۲؛ ← >فرهنگ دایرة المعارفی مفاهیم و اصطلاحات ادبی دنیای ترک< ، ذیل "Ansiklopedi"؛ د.ا.د.ترک، همانجا)؛ >دانشنامهٔ جدید ترک< در دوازده جلد از انتشارات اوتوکن، که بیشتر جنبهٔ عمومی دارد و با نگاه به تاریخ و فرهنگ و مواریث ترکان و مسلمانان تدوین شده است (← ارطغرل، ص ۴۴)؛ >دانشنامهٔ ترکیه دورهٔ جمهوریت< در ده جلد از نشر اوتوکن؛ >آنا بریتانیکا< نشر مشترک انتشارات آنا و مؤسسهٔ نشر بریتانیکا که ترجمه >دایرة المعارف بریتانیکا< است (۱۹۸۸)؛ و >بریتانیکای پایه< براساس >بریتانیکای کودکان< (چاپ چهاردهم: ۱۹۸۸) به کوشش ناشران >آنابریتانیکا< که کار نشر مجلدات آن از ۱۳۶۷ش/ ۱۹۸۸ آغاز شده است (د.ا.د.ترک، همانجا).در سالهای پایانی قرن بیستم (۱۳۷۰ـ۱۳۸۰ش)، تدوین دانشنامه های مفصّل و معتبر آغاز شده است که هنوز ادامه دارد، از جمله >دایرة المعارف اسلام اوقاف دینی ترکیه< ، چاپ سازمان اوقاف دینی ترکیه، با الهام از >دایرة المعارف اسلام< چاپ لیدن، که نشر آن از ۱۳۶۷ش/۱۹۸۸ در استانبول شروع شده (← همان، ج ۳، ص ۲۲۶) و تا سال ۱۳۹۱ش/ ۲۰۱۲، جلد چهل ودوم آن انتشار یافته است (← مرکز تحقیقات اسلامی اوقاف دینی ترکیه ، ۲۰۱۳؛ نیز ← دایرة المعارف اسلام اوقاف دینی ترکیه* در ضمیمهٔ دانشنامه). همچنین در ۱۳۶۹ش/ ۱۹۹۰ دانشنامهٔ دیگری باز با نام >دانشنامهٔ اسلام< از انتشارات شامل، حاوی سه هزار مدخل در حوزهٔ علوم و معارف اسلامی در شش جلد انتشار یافته است. مقالات فقهی این دانشنامه عمدتاً با نظر به فقه حنفی تألیف شده است (← ارطغرل، ص۴۰).اگر بتوان مجموعه مقالات تحقیقی را در حوزه ای معیّن با نظر به وحدت موضوع جزو دانشنامه های تحقیقی به شمار آورد، باید از مجموعه پنج جلدی >جمهوریت< نام برد که حاوی پانصد مقاله تحقیقی از بیش از ۴۵۰ نویسندهٔ ترک است و به جنبه های گوناگون جمهوریت در ترکیه پرداخته، و در ۱۳۷۷ش/ ۱۹۹۸ به مناسبت هفتاد سالگی جمهوریت ترکیه انتشار یافته است (← همان، ص ۴۳). بر گرته >جمهوریت< و به مناسبت هفتصدمین سال تأسیس حکومت عثمانی نیز در ۱۳۷۸ش/ ۱۹۹۹، مجموعه ای به نام >عثمانی< در دوازده جلد انتشار یافته که خلاصه ای از آن در چهار جلد به انگلیسی منتشر شده است. از میان ۱۱۸۹ مقاله این مجموعه، نویسنده ۲۲۱ مقاله غیرترک اند. این دانشنامه در حوزهٔ «عثمانی شناسی» اثری است جامع و ماندگار (همان، ص ۴۲ـ۴۳). ناشر دو اثر اخیر انتشارات ترکیه نوین ، در ۱۳۸۱ش/۲۰۰۲ نیز به نشر اثر مشابه دیگری به نام >ترکان< در ۲۱ مجلد همت گمارد. این اثر شامل ۱۶۲۳ مقاله است (← همان، ص۴۰ـ۴۱).

ج) زبان فارسی. دانشنامه نگاری در ایران معاصر مسبوق است به مطالعات و تحقیقات خاورشناسان دربارهٔ ایران و شرق و نیز به نخستین تعاملات ایرانیان با مغرب زمین و آشنایی آنان با مظاهر فرهنگی غرب که از اواخر سدهٔ دوازدهم/ هجدهم آغاز شده است. صرف نظر از >کتابخانهٔ شرقی، یا، واژه نامه عمومی< ، اثر اربلو* فرانسوی (چاپ اول: ۱۷۷۶) که حاوی مقالات مختصر متعددی در حوزه تاریخ فرهنگ و تمدن مشرق خاصه ایران و اسلام است، در قرن نوزدهم و اوایل سدهٔ بیستم خاورشناسان چند اثر مهم به زبان آلمانی تألیف کردند، از جمله: >فرهنگ ایران باستان< از فردریک فون اشپیگل در سه جلد (چاپ : ۱۸۷۱ـ۱۸۷۸)؛ >نام نامه ایرانی< اثر فردیناند یوستی (چاپ ۱۸۶۵) مشتمل بر توضیح نامهای کسانی که در تاریخ و تمدن ایران، خاصه ایران باستان، مقامی داشته اند؛ > نگاهی اجمالی و دایرة المعارفی به دانشهای مشرق زمین< ، اثر هامر پورگشتال که در ۱۲۱۹/ ۱۸۰۴ منتشر شد و در آن فهرستی از دانشهای عربی و فارسی و ترکی آورده

شده است.احتمالاً آشنایی ایرانیان با مظاهر فرهنگی غربی و مطالعات خاورشناسانه غربیان در پدیدآمدن نخستین اثر دانشنامه گون در دورة معاصر : نامة دانشوران ناصری* (چاپ اول: ۱۲۹۶ـ ۱۳۲۴) بی تأثیر نبوده باشد. این کتاب را که مشتمل بر شرح احوال و بیان آثار مشاهیر علم و ادب در جهان اسلام است و تا مدخل «شاه نعمت الله ولی» پیش آمده است، دست کم می توان نخستین گام در دانشنامه نگاری در دورة جدید به حساب آورد، خاصه ازآن رو که مانند دانشنامه های نوین، دستاورد تشریک مساعی گروهی از نویسندگان (چهار تن از علما) است و با طرح و اندیشه ای معیّن و بودجه ای مشخص و زیرنظر صاحب منصبی فرهنگی (وزیر علوم وقت) راه اندازی شد (← نامه دانشوران ناصری، ج ۱، ص د ـ و). احتمالاً دو تن از متولیان نظارت بر کار تألیف و نشر این مجموعه، اعتضادالسلطنه و اعتمادالسلطنه که با علوم و معارف اروپایی عصر خود آشنا بودند، در تدوین این اثر چشمی هم به دانشنامه های فرنگی داشته اند (باغستانی، ص ۷۹).به هررو، اگر نامه دانشوران ناصری را در دانشنامه نویسی نوین به زبان فارسی، گام نخستین بدانیم، گامهای بعدی با تأخیر بسیار برداشته شد، خاصه که فرهنگ نفیسی (چاپ ۱۳۱۹ش) و سپس لغتنامه دهخدا (چاپ نخستین دفتر: ۱۳۲۵ش) با وجود اشتمال بر پاره ای از ویژگیهای دانشنامه هاـ به علت رویکرد لغت شناسانه در شمار فرهنگنامه ها قرار می گیرند (← فرهنگ نویسی*). بااین حال، دایرة المعارف فارسی* را که اندیشه تدوین آن، براساس >دایرة المعارف کوچک کلمبیا وایکینگ< (چاپ ۱۹۵۳ نیویورک) در ۱۳۳۵ش شکل گرفت، باید نخستین تجربة دانشنامه نگاری نوین در ایران به شمار آورد. مزیت ویژة این دانشنامه را بر اولین دانشنامه نوین عربی زبان، دائرة المعارف البستانی، آن است که برخلاف آن کار تألیف و نشر این دانشنامه ناقص نمانده و همه مجلدات آن تا حرف «ی» سرانجام به چاپ رسیده است (چاپ ۱۳۴۵ـ۱۳۷۴ش).مزّیتهای دایرة المعارف فارسی البته به معنای نادیده گرفتن فضل تقدم عبدالعزیز جواهرکلام (صاحب جواهر)، نویسنده دائرة المعارف الاسلامیه ایران و همگی معارف شیعه امامیّه اثنی عشریّه، نیست. چنان که از توضیحات طولانی نویسنده در ذیل عنوانِ طولانی کتاب پیداست، نویسنده در این دانشنامه تأکید خاصی بر معرفی کتابها به ویژه کتب تألیفی شیعیان دارد. وی که ظاهراً نخستین کس در ایران بود که نام دایرة المعارف را بر اثرش نهاد، در مقدمه آن، گزارشی از سیر دایرة المعارف نگاری در مغرب زمین و در جهان اسلام داده است (← ج ۱، ص ۱ـ۸). در پایان مقالات این اثر جز به ندرت نام منابع نیامده؛ در داخل مقاله نیز در موارد نادری به کتابی، آن هم به نحوی کلی و بی ذکر جلد یا صفحه، استناد شده است.تقریباً هم زمان با فعالیتهای مقدماتی برای تألیف و انتشار دایرة المعارف فارسی، در ۱۳۴۲ـ۱۳۴۳ش کمیسیون ملی یونسکو با همکاری دانشگاه تهران، دانشنامة تخصصی ایرانشهر را در دو جلد منتشر کرد. مطالب این کتاب مصور به چهار بخش تقسیم می شود: جغرافیای طبیعی و انسانی، تاریخ سیاسی و فرهنگی، سازمانهای اداری و اجتماعی و اقتصاد و عمران ایران. با اینکه تنظیم مطالب و مقالات ایرانشهر موضوعی است، به کمک فهرست مطالب و نمایه های الفبایی مفصّل پایان جلد دوم می توان مانند دانشنامه ها از مطالب آن بهره برد (← ایرانشهر*).فعالیت دانشنامه نگارانه دیگر در دهه ۱۳۴۰ش، انتشار ترجمة فرهنگنامة طلایی، برتا موریس پارکر به سرپرستی رضا اقصی بود، که مخاطبان آن نوجوان بودند. از این مجموعه هجده جلدی که در ۱۳۴۶ش در تهران انتشار یافت، تک جلدِ مربوط به ایران، تألیفی است. کوشش دیگر در این زمینه تألیف دایرة المعارف خردسالان به قلم مهرداد مهرین در ۱۳۵۰ش است. رویکرد این دانشنامه که ترتیبی موضوعی دارد، معرفی علوم طبیعی و شاهکارهای ادبی ایران و جهان بوده است.در دهة ۱۳۵۰ش، مهم ترین کوشش در دانشنامه نگاری، اقدام به ترجمة > دایرة المعارف اسلام< (چاپ لیدن) بوده است.اهتمام ایرانیان به ترجمة > دایرة المعارف اسلام<همانند اصل توجه به تألیف دانشنامه های نوین برخلاف عربها، ترکها و حتی مسلمانان شبه قاره (پاکستان) و افغانستان ـ با تأخیر صورت پذیرفت. این ترجمه باعنوان دانشنامة ایران و اسلام از همان جلد نخست (چاپ ۱۳۵۴ش) با مقاله های تألیفی خاصه در موضوعات ایرانی، تکمیل گردید. از میان ده جزوه این دانشنامه، نُه جزوه در فاصلة ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷ش و جزوة دهم در ۱۳۶۰ش و جزوه یازدهم تا مدخل «اردبیل» در ۱۳۷۰ش منتشر شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تثبیت نظام جمهوری اسلامی و برجسته ترشدن هویت اسلامی و مذهبی انقلاب و نظام برآمده از آن، ضرورت بازشناسی و بازنویسی و عرضة مفاهیم دینی و اندیشه های مذهبی که هویت بخش انقلاب و جمهوری اسلامی ایران محسوب می شد، سخت محل توجه دولت و فعالان عرصة فرهنگ قرار گرفت. گرایش به نگارش دانشنامه ها با رویکرد اسلامی در این سالها را می توان کوششی برای بازشناسی میراث فرهنگی اسلامی و احیا و ترویج آنها، به ویژه از پس سالها بی اعتنایی نظام پهلوی به مواریث اسلامی، به شمار آورد. علاوه بر اینها، این ضرورت پدید آمد که با اغتنام از فرصت مناسبِ حاصل

از پیروزی انقلاب اسلامی، دانشنامه هایی به دور از کاستیهای محتوایی دایرة المعارفهای غربی و رفع کننده نیازهای روزافزون دانشجویان و پژوهشگران تهیه و منتشر شود (دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، مقدمة موسوی بجنوردی، ص هشت ـ نه؛ طاهری عراقی، ۱۳۶۸ش، ص ۸۲ ـ۸۳). با نظر به چنین زمینه ها و رویکردهایی بود که پس از انقلاب در اوایل دهة ۱۳۶۰ش تألیف و تدوین چنین دانشنامه هایی مورد توجه قرار گرفت: از جمله دایرة المعارف تشیع، دانشنامه جهان اسلام، و دایرة المعارف بزرگ اسلامی. دایرة المعارف تشیع که مقدمات تألیف آن از حدود ۱۳۶۰ش فراهم آمد، اولین جلد آن در ۱۳۶۶ش منتشر شد و تا سال ۱۳۹۰ش، چهارده جلد آن تا مدخل «لیلة المبیت» انتشار یافته است.دانشنامه جهان اسلام نیز که از سال ۱۳۶۲ش آغاز به کار کرد، به منظور صرفه جویی در وقت و هزینه در حرف الف که مقالات بسیاری در آن به زبان فارسی موجود بود و به ویژه به سبب وجود جزوه های دانشنامه ایران و اسلام، با حرف «ب» آغاز شد. علاوه بر اینها، تصمیم گردانندگان مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی که اندکی پس از بنیاد دایرة المعارف تأسیس شد ـ برای آغاز کردن مدخلها با حرف الف، دیگر علت شروع شدن مقاله های دانشنامه جهان اسلام با حرف ب بود (دانشنامة جهان اسلام، ج ۱، ص بیست وچهار؛ حدادعادل، ص ۲۳۷ـ۲۳۸). گردانندگان این دانشنامه که در آغاز به دلیل گستردگی موضوعی این اثر ازیک سو و کمبود محقق در ایران، از دیگر سو، علاوه بر تألیف، به ترجمه، خاصه از >دایرة المعارف اسلام<، توجه داشته اند (طاهری عراقی، ۱۳۶۸ش، ص ۸۱ ـ۸۲)، بعد از تدوین مجلدات حرف ب جز استثنائاتی اندک، عموماً سیاست تألیف مقالات را پیگیری می کنند. تاکنون شانزده جلد از این مجموعه تا مدخل «داعی» منتشر شده و جلدهای یکم تا پنجم باعنوان دائرة معارف العالم الاسلامی در بیروت به عربی ترجمه و چاپ شده است (نیز ← دانشنامه جهان اسلام* در ضمیمه دانشنامه).دایرة المعارف بزرگ اسلامی هم که فعالیت خود را از اواخر ۱۳۶۲ش آغاز کرده و تا ۱۳۹۰ش، نوزده جلد آن تا مدخل «حافظ» انتشار یافته است، از حیث گسترة موضوعی رویکردی عام دارد و همة حوزه های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جهان اسلام را دربرمی گیرد. این دایرة المعارف به علت رویکرد گردانندگان آن به گستردگی تحقیق، مدخلهایش متعدد و مقالاتش، خاصه در مجلدات اول، مفصّل شده است (← موسوی بجنوردی، ص ۸۹ ـ۹۰). تاکنون هفت جلد از مجلدات این دایرة المعارف به عربی و دو جلد آن به انگلیسی ترجمه شده است (نیز ← دایرة المعارف بزرگ اسلامی* در ضمیمه دانشنامه).در دهة ۱۳۷۰ش در پی پایان یافتن جنگ ایران و عراق و آغاز دورة موسوم به سازندگی، دانشنامه های دیگری برای معرفی هویت و فرهنگ ایرانی و زبان فارسی ظهور کرد. از سال ۱۳۷۲ش، مقدمات تألیف دانشنامه ادب فارسی زیر نظر حسن انوشه آغاز شد. تنظیم مقالات این دانشنامه که جلد اول آن در ۱۳۷۵ش انتشار یافت، منطقه ای ـ الفبایی است و هر جلد یک منطقه فرهنگی را دربرمی گیرد. مثلاً جلد اول به آسیای مرکزی، جلد سوم به افغانستان، جلد پنجم به قفقاز و جلد هفتم (چاپ ۱۳۸۶ش) به جهان عرب اختصاص یافته است. همچنین با تصویب طرح تدوین دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره در فرهنگستان زبان و ادب فارسی در ۱۳۷۲ش و انجام دادن مطالعات و فعالیتهای مقدماتی، جلد اول این دانشنامه تا مدخل «ایوب ماوراءالنهری» در ۱۳۸۴ش انتشار یافت (← دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره، ج ۱، پیشگفتار، ص بیست و هفت). افزون براین، با تصویب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروهی از محققان در ۱۳۷۲ش مطالعات خود را برای تألیف دانشنامه زبان و ادب فارسی آغاز کردند. جلد اول این دانشنامه در ۱۳۸۴ش و جلد سوم آن تا مدخل «سنایی غزنوی» در ۱۳۸۸ش انتشار یافته است. این دانشنامه شامل مهم ترین اطلاعات در همه حوزه های ادبی فارسی، به ویژه ادبیات دورة معاصر است (← دانشنامه زبان و ادب فارسی، ج ۱، مقدمة سعادت، ص شانزده ـ هفده).علاوه بر این دانشنامه های اختصاصی، دانشنامه های مشابه دیگری در این سالها پدید آمد. از دهة ۱۳۷۰ش به این سو، حدود ۲۵۰ عنوان دانشنامه با نام دانشنامه یا معادلهای آن، به زبان فارسی انتشار یافته یا در دست تألیف و نشر است که بیشتر آنها دانشنامه های اختصاصی و عمدتاً شامل این حوزه ها است : مطالعات اسلامی، قرآن پژوهی، سرگذشتنامه و معارف پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم، امامان و پیشوایان شیعه، فقه، کلام، فلسفه، ادبیات فارسی، شعر، موضوعات هنری چون نقاشی، خوشنویسی، معماری، موسیقی، علوم پایه، علوم تجربی، پزشکی، صنعتی، جغرافیا، تاریخ و موضوعات سیاسی، بین المللی (به ویژه فلسطین) و اجتماعی.در سالهای پس از انقلاب اسلامی، رویکرد مخاطب محور نیز مورد توجه دانشنامه نویسان بوده است. از مهم ترین تلاشها در این زمینه فرهنگنامه کودکان و نوجوانان است. اندیشه نشر این دانشنامه ها که در ۱۳۵۸ش در شورای کتاب کودک شکل گرفت، با ایجاد شرکت تهیه و نشر فرهنگنامة کودکان و نوجوانان در ۱۳۶۶ش به طور جدّی پیگیری شد. از ۱۳۷۱ش تاکنون چهارده مجلد از این مجموعة مصور که

قرار است به ۲۴ مجلد با احتوا بر پنج هزار مدخل برسد، منتشر شده است. این مجموعه زیرنظر توران میرهادی و همیاری بسیاری از پژوهشگران و نویسندگان ایرانی چون نوش آفرین انصاری و عباس حری، ایران گرگین و ایرج جهانشاهی تهیه شده است.اگر دانشنامه هایی را که به ویژه سازمانها و بنیادهای علمی و پژوهشی معیّنی عهده دار تدوین و نشر آنها شده اند، درنظر آوریم، می توان گفت این دانشنامه ها در مرز بسیار باریک وفاداری بر شاخصهای اصلی دانشنامه نگاری غربی در صورت و ساختار و زبان و نحوة بیان و حتی در محتوا ازیک سو، و پرهیز از تبعیت صرف از آنها برای برکنار ماندن از شائبة تقلید و احیاناً استراق ازسوی دیگر، درحال حرکت اند. درست پیمودن این مسیر باریک و دشوار رمز موفقیت این آثار به ویژه در هویت گرایی است.کسب چنین توفیقی البته به پشتوانه ای غنی و قابل اعتماد از پژوهشها و تحقیقات کارشناسانه نیاز دارد. به رغم خلأهایی در برخی از موضوعات، دانشنامه نگاری ایرانی نه تنها از ادامة حرکت بازنمانده، بلکه با تهیه و تدوین مقالاتی پژوهشگرانه، بدون پشتوانه های تحقیقی لازم، خود گامهایی نیز برای جبران این کاستیها برداشته است. این رویکرد و خط مشی که تقریباً برعکس روش و سنّت دانشنامه نویسی در غرب است، مایة آن شده که مؤسسه های یادشده به موازات تولید مقالات، هم زمان به تعلیم و پرورش دانشنامه نویس نیز اهتمام داشته باشند. ازاین رو، این مراکز خواه ناخواه به مؤسساتی پژوهشی ـ آموزشی تبدیل شده اند یا به چنین تبدیل و تحولی نیازمندند. ضعفهای برخی از مقاله های دریافتی از نویسندگان، این وظیفه را نیز بر دوش بنیادهای دانشنامه نگار نهاده است که مقاله ها را تا رسیدن به سرحد شکل مطلوب دستخوش دگرگونی و حتی بازنگاری کنند که این اقدام، در شکل افراطی خود، موجد نوعی یکدستی بیانی و زبانی و حتی ساختاری مقاله ها می شود. بدین ترتیب در این آثار، سبک و سلیقه هیئتهای علمی و ویراستاری بیش از سبک نویسندگی مؤلفان هر مقاله به چشم می آید. این مایة دقت در یکدست سازی زمینه ساز توجه بیش از اندازه به ظواهر مقاله ها شده و گاه در پایبندی به برخی از ضرورتهای دانشنامه نویسی، مانند اهتمام به مستند کردن مطالب، زیاده رویهایی صورت گرفته است (نیز ← آذرنگ، ص ۸ ـ۱۹؛هاشمی،ص۴۳۲ـ۴۳۵). بااین همه، مقایسة اجمالی میان مجلدات نخست دانشنامه ها و مجلدات سپسین نشان می دهد که در بسیاری از مقالات، دانشنامه ها شکل و درونمایة مقبول تری یافته است و در مسیر تولید رفته رفته به بهسازی توجه شده است. پیداست دانشنامه هایی که یکجا انتشار یافته اند، برخلاف آنها که به تدریج منتشر شده اند، از چنین فرصتی بی بهره مانده اند. احتمالاً دانشنامه دانش گستر، که به اهتمام علی رامین، کامران فانی و محمدعلی سعادت در ۱۳۸۹ش در هجده جلد از حرف «الف» تا «ی» در تهران به چاپ رسیده است، اگر نشری تدریجی می داشت، شاید از این اصلاح و بهسازی نیز نصیبی می برد؛ گرچه در صورت کنونی نیز ثبات روش آن در تمام مجلدات، فارغ از هرگونه ارزش داوری، مزیتی برای آن به شمار می آید.نگارش دانشنامه به زبان فارسی، علاوه بر ایران، در کشورهای فارسی زبان افغانستان و تاجیکستان نیز محل توجه بوده است. نخستین این دانشنامه ها در دوره جدید، دایرة المعارف آریانا* است که از ۱۳۲۸ تا ۱۳۴۸ش در شش جلد در کابل انتشار یافته است. صرف نظر از شمار درخور توجهی از مقالات آریانا که برگردانِ ترجمه عربیِ >دایرة المعارف اسلام <یا عیناً برگزیده ای از مدخلهای لغت نامه دهخدا است، اهمیت ویژة آریانا در مقاله های مختص به افغانستان است. برخلاف افغانستان، دانشنامه نویسی در تاجیکستان تنوّع بیشتری داشته است. در این کشور به سبب ضرورتهای اجتماعی و سیاسیِ ناشی از تسلط روسها و سیطره زبان و فرهنگ روسی و تغییر الفبا به لاتین (۱۳۰۷ش/ ۱۹۲۸) و سپس سیریلیک (۱۳۱۹ش/ ۱۹۴۰)، نوشتن انواع لغت نامه ها یا فرهنگ نویسی*، بیش از دانشنامه نویسی اهمیت یافت. در واقع تقدم زمانیِ فرهنگ نویسی و فزونی چشمگیر این نوع آثار، حاصل چنین زمینه و ضرورتی بوده است. مهم ترین و نخستینِ اثر از این دست آثار که به زبان فارسی و به خط سیریلیک تألیف شده، دانشنامة عمومی و مصورِ >دایرة المعارف تاجیکستان< است که در فاصلة ۱۳۵۷ش/ ۱۹۷۸ تا ۱۳۶۷ش/ ۱۹۸۸ در هشت مجلد در شهر دوشنبه انتشار یافته است. ارزش خاص این دانشنامه در پرداختن به موضوعات مرتبط با تاجیکستان است که بر سایر موضوعات به لحاظ شمار مدخلها و اندازة مقالات آشکارا غلبه دارد. این دانشنامه را می توان آیینة تمام نمای زندگی اجتماعی و مدنی و حیات ادبی شاعران و نیز صنایع و معادن و کشاورزی و مؤسسات و آداب و رسوم تاجیکستان و نیز بازتابندة نگاه ایدئولوژیک گردانندگان آن به موضوعات سیاسی و مذهبی دانست (د.ایرانیکا، ذیل "Tajikistan.v"؛ برجیان، ۱۳۷۸ش، ص ۱۲۵؛ همو، ۱۳۷۰ش، ص ۴۱۷ـ۴۱۸، ۴۲۵). مقالات خاص تاجیکستان که عموماً به نویسندگان تاجیک سفارش شده، دارای امضای نویسنده است، اما مقاله هایی که جنبه عمومی دارد و ظاهراً از >دایرة المعارف بزرگ شوروی< یا دایرة المعارفهای جمهوریهای دیگر شوروی ترجمه شده، فاقد امضای نویسنده است

(برجیان، ۱۳۷۰ش، ص ۴۲۱).عموم مدخلهای این دانشنامه براساس نوع تلفظ تاجیکستانی/ تاجیک و نه تلفظ ایرانی یا عربی ضبط شده و در تلفظ نامهای فرنگی نیز صورت روسی آنها ترجیح داده شده است (همان، ص ۴۲۲). فهرست منابع پایان مقالات، که عمدتاً چاپ روسیه، تاجیکستان و ایران است، منحصر به منابع موجود در کتابخانه های شوروی است و مآخذ دیگر فقط در داخل مقاله ذکر شده است (همانجا).>دایرة المعارف تاجیکستان< مبنا و اساس تألیف دو دانشنامة تخصصی انسیکلوپدیای ادبیات و صنعت تاجیک (۱۹۸۸- ۱۹۸۹) و انسیکلوپدیای خواجگی قشلاق تاجیکستان (= دانشنامة اقتصاد روستایی تاجیکستان، ۱۹۸۹-۱۹۹۱) شده است.انسیکلوپدیای مختصر روزگارداری در یک مجلد دانشنامة دیگری است که در فصلهای جداگانه به موضوعات خانه، خوراک، سلامت، پوشاک، تفریح، باغ و پالیز و اطلاعات حقوقی با ترتیبی الفبایی پرداخته است (برجیان، ۱۳۷۸ش، ص ۱۳۵؛ د. ایرانیکا، همانجا).

منابع : عبدالحسین آذرنگ، «دانشنامه نگاری در ایران و آینده آن از دید کلان»، بخارا، ش ۶۲ (خرداد ـ شهریور ۱۳۸۶)؛ آقابزرگ طهرانی؛ شمس الدین محمدبن محمود آملی، نفائس الفنون فی عرایس العیون، ج ۱، چاپ ابوالحسن شعرانی، تهران ۱۳۷۷، ج ۲، چاپ ابراهیم میانجی، تهران ۱۳۷۹؛ محمدبن احمد ابشیهی، المستطرف فی کلّ فنّ مستظرف، چاپ محمد سعید، قاهره ۲۰۰۵/۱۴۲۶؛ ابن عبدربّه، العقدالفرید، ج ۱، چاپ مفید محمد قمیحه، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۴؛ ابن فریغون، کتاب جوامع العلوم، چاپ قیس کاظم جنابی، قاهره ۲۰۰۷/۱۴۲۸؛ ابن فضل الله عمری، مسالک الابصار فی ممالک الامصار، سفر۱، چاپ عبدالله بن یحیی سریحی، ابوظبی ۲۰۰۳/۱۴۲۴، سفر۵، چاپ محمد عجاج خطیب، مصطفی مسلم، و صالح رضا، ابوظبی ۲۰۰۴/۱۴۲۵؛ ابن قتیبه، عیون الاخبار، چاپ یوسف علی طویل و مفید محمد قمیحه، بیروت ?] ۱۹۸۵[؛ همو، المعارف، بیروت ۱۹۸۷/۱۴۰۷؛ اخوان الصفا، رسائل اخوان الصفاء و خلّان الوفاء، قم ۱۴۰۵؛ علی ارطغرل، «نگاهی به مهم ترین دایرة المعارف های منتشر شده در ترکیه»، ترجمة نصرالله صالحی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال ۸ ، ش۱۰-۱۱ (مرداد و شهریور ۱۳۸۴)؛ مرتضی اسعدی، «دایرة المعارف های شرق اسلامی»، کیهان فرهنگی، ش ۱۲۷ (خرداد و تیر ۱۳۷۵)؛ محیی الدین الوائی، «]حول[مفتاح السعادة و مصباح السیادة»، مجلة الازهر، سال۴۰، ش ۵ (رجب ۱۳۸۸)؛ اسماعیل باغستانی، «کلان کتاب های عهد قاجاریه، مورد نمونه: نامه دانشوران ناصری»، در مجموعه مقاله های اولین همایش سراسری دانشنامه نویسی در ایران، تهران ۱۳۸۷، تهران: بنیاد دانشنامه نگاری ایران، ۱۳۸۹ش؛ بحرالفوائد: دایرة المعارف،]از مؤلفی ناشناخته[، چاپ محمدتقی دانش پژوه، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵ش؛حبیب برجیان،]دربارة [آنسیکلوپدی ساویتی تاجیک»، مجله ایران شناسی، سال ۳، ش ۲ (تابستان ۱۳۷۰)؛ همو، «فرهنگ نویسی در تاجیکستان»، همان، سال۱۱، ش ۱ (بهار ۱۳۷۸)؛ منیر بعلبکی، موسوعة المورد: دائرة معارف انگلیزیة عربیة مصورة، بیروت ۱۹۸۰-۱۹۸۳؛ محمد قندیل بقلی، فهارس کتاب صبح الاعشی فی صناعة الانشا للقلقشندی، قاهره] ۱۹۷۲[؛ محمداعلی بن علی تهانوی، کشاف اصطلاحات الفنون، بیروت: دارصادر،]بی تا.[؛ عمروبن بحر جاحظ، کتاب الحیوان، چاپ عبدالسلام محمد هارون، مصر ?]۱۳۸۵-۱۳۸۹/ ۱۹۶۵- ۱۹۶۹[، چاپ افست بیروت]بی تا.[؛جرجیس منش،«المناهج فی وصف المباهج»، المشرق،سال۱۰، ش۱۷ (ایلول ۱۹۰۷)؛ مطهربن محمد جمالی یزدی، فرّخ نامه: دائرة المعارف علوم و فنون و عقائد، چاپ ایرج افشار، تهران ۱۳۴۶ش؛ عبدالعزیز جواهر کلام، دائرة المعارف الاسلامیه ایران و همگی معارف شیعه امامیّه اثنی عشریّه،]تهران ?۱۳۳۲ش[؛ حاجی خلیفه؛ غلامعلی حدادعادل، «بنیاد دائرة المعارف اسلامی: گفتگو با دکتر غلامعلی حدادعادل»، گفتگوکننده: علی دهباشی، بخارا، سال ۳، ش ۵ (خرداد ـ تیر ۱۳۸۰)؛ حسین علی محفوظ، «دوائرالمعارف و الموسوعات العربیة و الشرقیة فی ۱۲ قرنا: القرن الثالث الهجری ـ القرن الرابع عشر الهجری (۸۱۶م ـ ۱۹۸۰م)»، المورد، ج ۶، ش ۴ (شتاء ۱۳۹۸)؛ غیاث الدین علی حسینی اصفهانی، دانش نامه جهان، چاپ سنگی بمبئی ۱۲۹۱؛ حمدالله بن ابی بکر حمدالله مستوفی، کتاب نزهت القلوب، چاپ سنگی بمبئی] ۱۳۱۱[؛ محمدبن احمد خوارزمی، مفاتیح العلوم، چاپ عبدالامیر اعسم، بیروت ۲۰۰۸/۱۴۲۸؛ محمدتقی دانش پژوه، «صدوسی واند اثر فارسی در موسیقی»، هنر و مردم، دورة جدید، ش ۹۶ و ۹۷ (مهر و آبان ۱۳۴۹)؛ دانشنامه جهان اسلام، ج ۱، زیرنظر مصطفی میرسلیم، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۵ش؛ دانشنامة زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، تهران : فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۴ش؛ دانشنامة زبان و ادب فارسی در شبه قاره، زیرنظر فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۴ش ـ ؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیرنظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران ۱۳۶۷ش ـ ، ذیل «ادب» (از آذرتاش آذرنوش)؛ محمدبن موسی دمیری، حیاة الحیوان الکبری، چاپ ابراهیم صالح، دمشق

۱۴۲۶/ ۲۰۰۵؛ محمدبن ایوب دُنَیسری، نوادرالتبادر لتحفة البهادر، چاپ محمدتقی دانش پژوه و ایرج افشار، تهران ?]۱۳۵۰ش[؛ احمدبن داوود دینوری، الاخبار الطِّوال، چاپ عبدالمنعم عامر، قاهره ۱۹۶۰، چاپ افست قم ۱۳۶۸ش؛ قنبرعلی رودگر، «رواج موسوعه نویسی در عصر ممالیک»، معارف، دورة ۲۲، ش ۳ (آذر ـ اسفند ۱۳۸۵)؛ محمدحسین ساکت، «دیباچه ای بر دانشنامه نویسی در شبه قاره با نگاهی ویژه به کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم تهانوی»، آینه میراث، دورة جدید، سال ۶، ش ۱ (بهار ۱۳۸۷)؛ شوقی ضیف، الفنّ و مذاهبه فی النثر العربی، قاهره ۱۳۶۵/ ۱۹۴۶؛ شهمردان بن ابی الخیر، نزهت نامه علائی، چاپ فرهنگ جهانپور، تهران ۱۳۶۲ش؛ مجید صفاتاج، فرهنگ جامع فلسطین، ج ۱، تهران ۱۳۸۵ش؛ احمدبن مصطفی طاشکوپری زاده، موسوعة مصطلحات مفتاح السعادة و مصباح السیادة فی موضوعات العلوم، چاپ علی دحروج، بیروت ۱۹۹۸؛ احمد طاهری عراقی، «در ایران به اندازه کافی محقق نداریم» (گفتگو)، آدینه، ش ۳۳ (نوروز ۱۳۶۸)؛ همو، رده Bp : اسلام (علوم دینی اسلام در نظام رده بندی کتابخانه کنگره)، به کوشش زهره علوی، تهران ۱۳۷۶ش؛ عبداللطیف حمزه، الحرکة الفکریة فی مصر فی العصرین الایوبی و المملوکی الاول،]قاهره [۲۰۰۶؛ محمدبن محمد غزالی، احیاء علوم الدین، بیروت ۱۹۹۲/۱۴۱۲؛ محمدبن محمد فارابی، احصاءالعلوم، چاپ عثمان محمد امین، قاهره ۱۹۳۱/۱۳۵۰؛ فاطمه محمد محجوب، الموسوعة الذهبیة للعلوم الاسلامیة، ج ۱، قاهره ?]۱۴۱۳/ ۱۹۹۲[؛ محمدبن عمر فخررازی، جامع العلوم (ستّینی)، چاپ علی آل داود، تهران ۱۳۸۲ش؛ زکریا بن محمد قزوینی، عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات، بیروت : دارالشرق العربی،]بی تا.[؛ ایگناتی یولیانوویچ کراچکوفسکی، تاریخ نوشته های جغرافیایی در جهان اسلامی، ترجمة ابوالقاسم پاینده، تهران ۱۳۷۹ش؛ معلمة المغرب، سلا : مطابع سلا، ۱۴۱۰ـ۱۴۲۶/ ۱۹۸۹ـ۲۰۰۵؛ احمد منزوی، «]دربارة [ریاض الابرار: دائرة المعارف فارسی، نسخة منحصر به فرد]از حسین عقیلی رستمداری[»، وحید، دورة ۹، ش ۵ (مرداد ۱۳۵۰)؛ الموسوعة العربیة، دمشق: هیئة الموسوعة العربیة، ۱۹۹۸ـ۲۰۰۸، ذیل «الموسوعة العربیة» (از عدنان تکریتی)؛ الموسوعة العربیة العالمیة، ریاض: مؤسسة اعمال الموسوعة للنشر و التوزیع، ۱۴۱۹/۱۹۹۹؛ الموسوعة العربیة المیسّرة باشراف محمد شفیق غربال، قاهره ۱۹۶۵، چاپ افست بیروت ۱۴۰۷/ ۱۹۸۷؛ موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البیت علیهم السلام، قم: مؤسسة دائرة معارف الفقه الاسلامی، ۱۴۲۳/ ۲۰۰۲ـ؛ الموسوعة الفلسطینیة، دمشق: هیئة الموسوعة الفلسطینیة، ۱۹۸۴؛ کاظم موسوی بجنوردی، «ما اصرار داریم فقط با زبان علم صحبت کنیم» (گفتگو)، آدینه، ش ۳۳ (نوروز ۱۳۶۸)؛ نامه دانشوران ناصری، قم : دارالفکر، ?]۱۳۳۸ش[؛ محمدفرید وجدی، دائرة معارف القرن الرابع عشر/ العشرین، بیروت: دارالمعرفة،]بی تا.[؛ محمدبن ابراهیم وطواط، مباهج الفِکَر و مناهج العِبَر، چاپ عبدالرزاق احمد حربی، بیروت ۱۴۲۰/۲۰۰۰؛ محمدمنصور هاشمی، «متافیزیک دایرة المعارف و وضع کنونی آن در ایران»، در مجموعه مقاله های اولین همایش سراسری دانشنامه نویسی در ایران، همان؛ واجدعلی هوگلوی، مطلع العلوم و مجمع الفنون، چاپ سنگی]لکهنو [۱۲۸۳/ ۱۸۶۶؛ یعقوبی، تاریخ؛ یواقیت العلوم و دراری النجوم، چاپ محمدتقی دانش پژوه،]تهران[: اطلاعات، ۱۳۶۴ش؛ Encyclopaedia Iranica, s.v. "Tajikistan.v: dictionaries and encyclopedias" (by Habib Borjian). Retrieved Nov. ۱۷, EI۲۰۱۲, ۲, from http:// www.iranicaonline.org; s.v. : in Arabic" (by Ch.Pellat); Encyclopedia of library and information science, ed. Allen ۱"Mawsū`a. Kent and Harold Lancour, New York: Marcel Dekker, Inc., ۱۹۷۸, s.v. "Encyclopedias" (by Frances Neel Cheney); Josef van Ess, "Encyclopaedic activities in the Islamic world: a few questions and no answers", in Organizing knowledge, encyclopaedic activities in the pre-eighteenth century Islamic world, ed. Gerhard Endress, Leiden: Brill, ۲۰۰۶; İA; Agâh Sırrı Levend, Türk edebiyatı ; ۱۹۶۸; Hossein Nasr, Science and civilization in Islam, Cambridge, Mass. ۱۹۷۳, Ankara ۱tarihi, vol. ۳۹&Wadad Qadi, "Biographical dictionaries as the scholars alternative history of the Muslim ; ansiklopedisi, İstanbul: Dergâh community", in Organizing knowledge, ibid; Türk dili ve edebiyatı , s.v. "Ansiklopedi" (by Giovanni Scognamillo and Sami N. Özerdim); TDVİA, ۱۹۷۶-۱۹۹۸Yayınları, ve terimleri ansiklopedik edebiyat kavramları s.v. "Ansiklopedi" (by Ayhan Aykut); Türk dünyası - , s.v. ۲۰۰۱sözlüğü, Ankara: Atatürk Yüksek , Kurumu, Atatürk Kültür Merkezi Başkanlığı,

İslâm Araştırmaları Merkezi, Retrieved "Ansiklopedi" (by Yakup Çelik); Türkiye Diyanet Vakfı , from www.isam.org.tr; Živa Vesel, Les encyclopédies persanes: essai de typologie ٢٠١٣, ٢٠Feb. ; Wlater Werkmeister, Quellenuntersuchungen zum ١٩٨٦et de classification des sciences, Paris .١٩٨٣), Berlin ٩٤٠/ ٨٦٠-٣٢٨/٢٤٦kitāb al-`Iqd al-farīd des Andalusiers Ibn`Abdrabbih (